

کشیده است تا بطهران رسیده است همین مطالب اسباب تأخیر و تعویق کار شده و بعضی اوقات هم يك اختلافاتی بین قوانین دو مملکت پیدا شده که ممکن است تطبیق آن مراتب باعث تأخیر جریان امر بشود ولی نباید تصور کرد که هیئت ایرانی قصور ورزیده یا بهیئت روسی مضایقه کرده باشند و غالباً همین اختلافات سبب تأخیر انجام کار شده است دیگر اینکه هیئت ایرانی در مقابل يك عهد نامه و يك اسنادی دیگری واقع هستند که با انکاه و استناد بآن اسناد رسمی مجبورند داخل در مذاکره شوند ممکن است در تغییر و تغییر مواد همان عهدنامه نیز يك اختلافاتی پیدا شود که هر يك از طرفین بموجب مسئولیت خود نقطه نظر خود را اظهار کنند ولی بطور کلی بین به آقایان نمایندگان اطمینان می دهم که همیشه نظر دولت این بوده است که مذاکرات را با سرعت اوقات خاتمه داده و اختلافات را زودتر رفع کند مثل اینکه موقفی نظر بین دو دولت تولید شد و تصور مرفت که شاید مذاکرات برای چند وقتی منقطع شود ولی دولت دستوالعمل داد که حتی الامکان سعی نمایند از قطع مذاکرات جلوگیری شود و در اینجا هم با سفارت روس مذاکره بعمل آمده و دستور داده شد که اگر اختلافاتی در بین هست و عهدنامه تجارت بطوری که منظور نظر است برای مدت زیادتری بسته نمی شود ممکن است برای مدت کمتری مثلاً یکسال منعقد شود تا از قطع مذاکرات جلوگیری شود این موضوع هم نظریه بعضی دلائل میسر نشده و حالا مشغول مذاکره هستیم و از طرف دولت تعلیمات لازمه داده شده و می شود که هر چه زودتر بمذاکرات خاتمه دهند ولی قبل از این سؤال خود بنده می خواستم از کمسیون خارج تقاضا کنم يك جلسه ممتدی تشکیل بدهند تا مذاکرات و مخایراتی که در این مدت شده و جوابهایی که رسیده تماماً تحت نظر آقایان گذارده شود و بعضی مسائل که واقفان باعث اشکال و تأخیر اخذ نتیجه شده است با مشورت آقایان حل شود زیرا موضوع عهد نامه تجارت اهمیت زیادی دارد و احتراز از تأخیر این کار نیز لازم است بدین لحاظ بنده می خواستم از رأی سائب آقایان استفاده کرده و از کمسیون خارج تقاضا کنم جلسه خود را همین فردا تشکیل واگر بخواهند اشخاص دیگری را نیز علاوه کنند که يك طریق حلی راجع برفع اختلافات اتخاذ و در تعقیب آن تا کیدات لازمه بهیئت ایرانی بشود که هر چه زودتر باین کار خاتمه داده شود و در خاتمه عرض می کنم که روابط دولتی در کمال خوبی بوده و هست و دولت حاضر نهایت سعی دارد که این روابط را کاملتر مستحکم تر نماید

نصرت الدوله - البته حالا که آقای رئیس الوزراء تقاضای تشکیل جلسه کمسیون هستیم اگر نظریات و اطلاعاتی داشته باشیم در همان کمسیون عرض خواهم کرد ولی همین قدر می خواهم به آقای رئیس الوزراء تذکر بدهم که صرف حسن اراده و میل اغلب کافی از برای انجام قضایا نیست

رئیس - آقای رئیس التجار هم سؤالی دارند .

رئیس التجار - اگر چه قبلاً خاطر ایشان را مسبوق نکرده ام ولی سؤال بنده راجع ب واردات و صادرات است که همیشه مطرح مذاکره بوده و مخصوصاً دو مرتبه آقای حاج شیخ اسدالله در این موضوع بکمسیون فوائد عامه اعتراض کردند و گفتند کمسیون در این باب اقداماتی نکرده و قصور ورزیده است حال آنکه کمسیون فوائد عامه در کابینه آقای مشیرالدوله و کابینه سابق خود ایشان مکرر این موضوع را خاطر نشان کرده و مخصوصاً در این کابینه اخیر رئیس الوزراء به آقای عمید السلطنه مذاکره شد که سالی هشتاد و سه روز کرور اضافه واردات بر صادرات ما است و در این باب برای تقلیل واردات مکرر تجار و اهالی مملکت عرض داده اند و در کابینه سابق هم آقایان مشیرالدوله سردار معظم و نصرت الدوله حاضر شدند و کمسیون خارج و فوائد عامه با هم نشستند و مذاکراتی کردند و نتیجه همانطور عقیم ماند و بتأخیر افتاد بنده خواستم سؤال کنم که آقای رئیس الوزراء در این باب نظریات عمیقی فرموده اند و در باب تقلیل واردات بواسطه تکثیر حقوق گمرکی اشیاء لوکس و تجملی که مملکت لازم ندارد تصمیمی اتخاذ فرموده اند یا خیر ؟

رئیس الوزراء - سؤال آقای رئیس - التجار راجع وزیر فوائد عامه است و در جلسه بعد جواب آن بعرض مجلس میرسد

رئیس - آقای نجات (اجازه) (حاضر نبودند)

رئیس - آقای تدین (اجازه) تدین - در جلسه اسبق تقاضا کردم آقای وزیر پست و تلگراف تشریف بیاورند و جواب سؤال بنده را بدهند اگر چه آمدند ولی در حین مذاکرات رفتند و تا آخر جلسه نماندند که بنده سؤال خود را عرض کنم و حقیقه بنده از بسکه این موضوع را تعقیب کردم خسته شده ام ولی برای يك دفعه دیگر از مقام ریاست تقاضای کنم بایشان اطلاع بدهند برای جلسه آتی حاضر شوند و جواب سؤال بنده را بدهند و الا مجبورم بوظایفی که نظام نامه معین کرده است رفتار کنم

رئیس - اطلاع داده می شود (مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۱۷۰
صورت مشروح مجلس یوم
شنبه بیست و هشتم ربیع الاول
سنه ۱۳۴۰ مطابق بیست و ششم
عقرب ۱۳۱

مجلس یکساعت قبل از غروب بر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم پنجشنبه بیست و چهارم عقرب را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - صورت جلسه ایرادی دارد یا نه ؟ آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - در صورت جلسه نوشته شده است که بنده عقیده داشتم یکی از ایالات خمسه مجزی شود و ضمیمه قانون امتیاز نفت نباشد در صورتیکه بنده این عقیده را نداشتم و عرض کردم چون بموجب یکی از مواد آن قانون کمیانی متعهد شده است که در ظرف مدت پنجاه سال فقط بیست و چهار چاه در ایالات خمسه حفر کند لذا ما نباید بگذاریم کمیانی این اراضی را احتکار کند و پس از آنکه تقبل کرد و اراضی لازمه برای بیست و چهار چاه را تعیین کرد مازادش را با شرایط مندرجه در این قانون بتجار ایرانی واگذار کند اگر تجار ایرانی نتوانستند کار کنند مجدداً بهمان کمیانی واگذار شود و عقیده نداشتم که یکی از ایالات را از این قانون مستثنی کنند .

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده در صورت جلسه عرضی ندارم عرضم در قانون امتیاز نفت است .

رئیس - آقای غضنفرخان (اجازه)

غضنفرخان - در صورت جلسه بنده را غائب بدون اجازه نوشته اند در صورتیکه بنده علت غیبت خود را بکمسیون نوشته بودم حالا چه سبب داشته است که کمسیون قبول نکرده علتش را نمی دانم .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - اینکه آقای غضنفرخان فرمود در صورتی که علت غیبت خود را نوشته بودم نمی دانم بچه سبب کمسیون قبول نکرده عرض میکنم کمسیون هیچ نظری نداشته و فقط قصد کمسیون این بوده است که چندین بار هم میخواستیم عرض کنم در آخر جلسه که میشود نبود جلسه ختم نشده آقایان تشریف میبرند و مجلس را از اکثریت می اندازند در صورتی که مجلس دوسه ساعت هم بیشتر نیست و روز را هم تماماً بیکاریم (جمعی از نمایندگان گفتند

چنین نیست همه کار داریم شاید شا بیکارید)

آقا سید یعقوب - مقصودم جلسه عصر است بهر جهت هر وقت هر کدام از آقایان عذری داشته اند مخصوصاً اکثریت کمسیون اجازه داده است که غیبت ایشان با اجازه منظور شود و آقای غضنفر خان هم اگر عذری داشته اند البته کمسیون مرخصی غیبت ایشان را هم با اجازه تصویب خواهد کرد ولی بیشتر قصدم این بود که غالب آقایان اواخر جلسه مجلس را از اکثریت می اندازند .

رئیس - لایحه امتیاز نفت مطرح است .

آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - اولاً این مطلب را باید عرض کنم از چندین باین طرف بعضی از روزنامه ات و بعضی مردم تصور می کنند که مخالفت یا موافقت با الوایح دولت موافقت یا مخالفت با خود دولت است در صورتی که چنین نیست موافقت با فلان لایحه پیشنهادی دولت موافقت با دولت و مخالفت با فلان لایحه دولت مخالفت با دولت نیست و ممکن است یکوقت لایحه به مجلس می آید و بقدری خوب باشد که اقلیت و اکثریت مجلس عموماً در آن رأی بدهند همین طور بالعکس . لذا مخالفت بنده با این لایحه مخالفت با دولت نیست البته همه آقایان هم تصدیق می فرمایند موقمی که موضوع فقط بمجلس آمد تمام ما بایک شغف و هلهله آنرا پذیرفتیم و باندازه خوشوقت بودیم که بعضی مسائل واضح را از نظر انداختیم مثلاً در صورتی که در قانون اساسی چهار ایالت بیشتر برای ایران معین نشده است ولی در آن لایحه نوشته شده بود .

ایالت و چون بقدری ما شعوف بودیم که نهایت نداشت این مسئله هیچ یاد مجلس نیاید . مسئله دیگر این بود هایدی و مناقع دولت را صدها معین کرده بودند که بعضی می گفتند معادل با صد سی و دو می شود و ما بقدری صدسی و دورا خوب می دانستیم که تصور نمی کردیم مشتری خوب تراز این شخص پیدا کنیم . این بود که عجز داشتیم زودتر این مسئله تصویب شود ولی در ظرف این یازده ماه که در این مسئله مذاکره می شد با تلگرافات متعدد و مذاکرات زیاد گفتن است يك موقمی برای فکر کردن ما پیدا شد این است که بنده عقیده خودم را عرض می کنم .

اولاً بنده با انتزاع ایالات مازندران و گیلان مخالفم زیرا این دو نقطه اهمیتشان از حیث لفظ زیادتر از آن بر نقاط است و اگر بنا شود گیلان یا مازندران را با انتزاع

کنیم گمان می کنم دیگر کسی پیدا شود که این امتیاز را قبول کند و باوردی که در جلسه قبل آقای حاج شیخ اسدالله و آقای مخبر فرمودند کمیسیون لفظ که این لایحه را پذیرفته جز بک راههای اقتصادی چیز دیگری را در نظر گرفت و این مسئله هم بقدری در نظر ما خوب است که نهایت نداشت و حالا هم بنده معتقدم که باید تمام این ۵ قطعه را بیک نفر داد

ولی در ماده ۱۵ که می نویسد صد ۱۵ اراضی باختیار کمیانی واگذار شود آنرا صد هفده معین کنیم بیک سانس آن را برای استخراج نفت و مخبر چاه باختیار اتباع ایران و اگر در استعدادهای اراضی اختلافاتی پیدا شد ماده ۱۷ که برای اختلاف نظر معین شده است رفع اختلافات را خواهد کرد و بالاخره بک سانس برای اتباع داخله و عوض صد پانزده که باختیار کمیانی است صد هفده معین شود و آن قسمتی را که آقایان فرمودند که یکی از ایالات را باختیار اتباع ایران و آنقدر کنیم بنده با آن مخالفم زیرا تجار ما این قدر سرمایه ندارند که بتوانند مثل کمیانی های بزرگ دنیا کار کنند و آن قسمتی را هم که بعضی از آقایان فرمودند تجار ما اصلاً نمی توانند کار کنند آنرا هم مخالفم اگر آقایان بیاد کوه برفته باشند می دانند که در آنجا دو یا سه یا چهار کمیانی بزرگ بیشتر نیست کمیانی های کوچک هم فریبده یا بیست یا سی هزار تومان نفت سیاه که از چاه خارج هد بان کمیانی های بزرگ و گذار می کنند و تمام مخارج تصفیه و حمل و نقل آن فقط با کمیانی های بزرگ است بنا بر این تجار ما هم نه این که نتوانند کار کنند البته می توانند ولی رقابت تجاری نمی توانند بکنند این بود عقیده بنده و پیشنهاد هم کرده ام و اگر آقایان در جزئیاتش فرمایشی داشته باشند بموقعش عرض خواهم کرد

رئیس - آقای داور (اجازه) آقا میرزا علی اکبر خان داور بنده هم مخالفم رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - یک نفر از ارباب شهر یک هجرتی نوشته است و گمان میکنم آن هجرت در نهاد هم باشد و آن هجرت این است که هیچ ایرانی نیست که تمام منافع ایران را برای خود نخواهد و هیچ مسلمان نیست که میل نداشته باشد تمام کلیساهای مسجد شود

این مسئله مسلم است که همه ما از خدا می خواهیم تمام ما دارای یک قوه و قدرتی باشیم که تمام مغازن تحت الارضی خودمان را خودمان استخراج کنیم و خودمان

از آن استفاده کنیم البته در نظر آقایان هست که در اول حمل در خصوص آب کوه رنگ چه داد و فریادها زدیم و میگفتیم اگر تا اول حمل مسئله آب کوه رنگ انجام نگیرد نصف اهالی اصفهان از کرسنگی خواهند مرد و بقدری در این باب اصرار داشتیم که متصل از آقای رئیس استعفا میگردیم که یک کاری بکنند که روز اول حمل مجلس رسمی بشود و مسئله جریان آب کوه رنگ یک روز هم عقب نیفتد و میگفتیم اگر یک روز عقب بیافتد یک منافع بزرگی از دست ما خواهد رفت البته همه ما از خدمتخواهیم که ایرانیها خودشان قدرت داشته باشند که بتوانند مغازن تحت الارضی خود را خودشان استخراج کنند و این یک مسئله است که هیچ کس منکر آن نیست بنده در چندی قبل هم عرض کردم طبیعت و روزگار ما را از قافله تمدن و علم و فضل و ثروت و غنا عقب انداخته و ما ناچاریم تبعیت کنیم به دانایان و سرمایه داران و آنها را بعنوان استفاده اقتصادی داخل کرده و از آن ها استفاده کنیم آن روز آقای رئیس الوزرا این مسئله را کاملاً شرح دادند که برای تجار ایران صد سی سهام معین شده است و خود این شرکت تقریباً مساوی می شود با استخراج نفت یک ایرانی نمیدهند بالاخره دریایان هر ایشم عرض می کنم انشاء الله در این دوره چهارم مجلس این قدم اقتصادی را ما خواهیم برداشت که به توانیم این فقر اقتصادی را از میان ملت مرتفع سازیم و تصور میکنم رستگاری دنیوی و اخروی ما هم جز این نباشد که مغازن خداداد خود را مطابق این مواد که با کمال جدیت و نهایت دقت گذرانیم استخراج کنیم و اگر هم آقایان اصلاحاتی بنظرشان میرسد پیشنهاد فرمایند البته در کمیسیون تحت شور و واقع خواهد شد و برای آقایان تجار هم ممکن است امتیاز معادن دیگر مملکت را بگیرند و پیش از این هم مانع تراشی نکنند تا بلکه بتوانیم به مقصود نائل شویم این بود عرض بنده

رئیس - آقای داور (اجازه) میرزا علی اکبر خان داور - آقای آقا سید یعقوب فرمودند در چندی قبل بایک عجله سعی داشتیم که مسأله آب کوه رنگ را که بحال مملکت نافع بود بگیرانیم حتی روز اول حمل راهم خواستیم جلسه کنیم که اینکار به تأخیر نیفتد بنده می بینم قریب یکسال است مسئله فقط مطرح است و هر وقت که در آن مذاکره می شود گفته می شود باید بعلجه آن را گذارد و اگر پنج روز عقب نیفتد آتیه ما در خطر است و مملکت مادچار زحمت خواهد شد در ظرف این یکسال تماش را هجده داشتیم که فوری این مسئله بگیرند در جزو دولتی

بیاندازند و از آن استفاده کنند. بالاخره نه این که ما عقبیده داشته باشیم که استخراج معادن فقط را بایرانها واگذار نکنیم خیر این عقیده را نداریم ولی می گوئیم وقتی که دارای قدرت و توانائی شدیم البته چه چیز بهتر از این است که خودمان این معادن را استخراج کنیم ولی بکرات عرض کرده ام باز هم عرض کرده ام ما فقیریم فقر علمی داریم فقر تروتی داریم فقر اخلاقی داریم و بالاخره طبیعت ما را عقب انداخته است باید و آقایان سرمایه داران را در این مملکت آورده و ما هم سرمایه خودمان را بیرون آنها مخلوط کنیم و این مغازن را بیرون بیاوریم بعضی مطالب است که در کمیسیون هم عرض کرده ام ولی اینجا نمی توان گفت زیرا فردا است که هزار پاره کاغذ بر میدارند توی سر ما میزنند و بنده عقیده ام این است که زودتر این قانون را بگیرانیم بلکه بتوانیم از این فقر اقتصادی رهائی یابیم بنده تعجب می کنم قریب یکسال است موضوع فقط بمجلس آمده و در کمیسیونها تحت شور و بود و هیچکس در این باب اظهاری نمی کرده ام بمجلس آمده است که سمت قانونیت پیدا کند فوری در روزنامه ها می نویسد چرا یک قسمت آنرا به تجار ایرانی نمیدهند بالاخره دریایان هر ایشم عرض می کنم انشاء الله در این دوره چهارم مجلس این قدم اقتصادی را ما خواهیم برداشت که به توانیم این فقر اقتصادی را از میان ملت مرتفع سازیم و تصور میکنم رستگاری دنیوی و اخروی ما هم جز این نباشد که مغازن خداداد خود را مطابق این مواد که با کمال جدیت و نهایت دقت گذرانیم استخراج کنیم و اگر هم آقایان اصلاحاتی بنظرشان میرسد پیشنهاد فرمایند البته در کمیسیون تحت شور و واقع خواهد شد و برای آقایان تجار هم ممکن است امتیاز معادن دیگر مملکت را بگیرند و پیش از این هم مانع تراشی نکنند تا بلکه بتوانیم به مقصود نائل شویم این بود عرض بنده

رئیس - آقای داور (اجازه) میرزا علی اکبر خان داور - آقای آقا سید یعقوب فرمودند در چندی قبل بایک عجله سعی داشتیم که مسأله آب کوه رنگ را که بحال مملکت نافع بود بگیرانیم حتی روز اول حمل راهم خواستیم جلسه کنیم که اینکار به تأخیر نیفتد بنده می بینم قریب یکسال است مسئله فقط مطرح است و هر وقت که در آن مذاکره می شود گفته می شود باید بعلجه آن را گذارد و اگر پنج روز عقب نیفتد آتیه ما در خطر است و مملکت مادچار زحمت خواهد شد در ظرف این یکسال تماش را هجده داشتیم که فوری این مسئله بگیرند در جزو دولتی

که آقای آقا سید یعقوب اظهار داشتند یکی این بود که ما از همه چیز عقب هستیم در صورتی که این مسئله را تصدیق داریم چرا باشخص متخصصین و بصیر سایر ممالک مراجعه نکردیم ما باید ببینیم سایر ممالک که در علم آزما جلو اند با چه دقت و ملاحظاتی یک امتیازی را می دهند در صورتیکه گیرنده امتیاز هم از داخله همان مملکت است

دلالتی که یریشب ذکر شد که باید هر ه ایالت و ولایت جزو این قانون باشد بطور خلاصه محض یادآوری عرض میکنم. یکی از دلائل این بود که آقای رئیس الوزرا فرمودند چون این امتیاز سبب سعادت مملکت است چرا تمام این ه قطعه باین سعادت نرسند و وسائل خوشبختی برای عموم فراهم نشود.

آقای مخبر در ضمن فرمایشاتشان فرمودند قانونی در این موضوع گفته و گمان می کنم بلفظ کثرت فرمودند که کنتراتی در این باب از تصویب مجلس گذشته و لغو کردن آن قانون یا کنترات سبب میشود که بعیثیت دولت برمی خورد و ضمناً فرمودند چون در کمیسیون مذاکره شد که هر پنج قطعه را بیک کمیانی بدهیم اگر بنا شود یک قطعه را مجزی کنیم شاید کمیانی و سرمایه داران آمریکائی دلسرد شوند و این امتیاز را قبول نکنند. یکی از دلائل را گرفته ام که جواب عرض کنم

قسمت اول را که آقای رئیس الوزرا فرمودند چون این امتیاز سبب سعادت مملکت است چرا هر پنج قطعه از این سعادت بهره مند نشوند بلی بنده هم اگر بیش از دیگران تصدیق نداشته باشم باندازه دیگران تصدیق دارم که جلب سرمایه داران خارجی برای ایران که از خودش سرمایه ندارد فوق العاده اهمیت دارد و سرمایه خارجی ممکن است در ایران کاری بکنند که در فاصله کمی بتوانیم چرخهای مملکت خود را بکار انداخته و در خط تمدن امروزه دنیا داخل بشویم ولی مشروط بر اینکه یک سرمایه قابل ملاحظه داخل در مملکت بشود و منابع ثروت ما بکار افتد آقایان اطمینان دارند که با این قانون این دو مقصود بعمل خواهد آمد. و این اطمینان بقدری عمومیت پیدا کرده است که شاید تردید در این امر یک کفر سیاسی به شمار آید بنده تا یک درجه این اطمینان را حقیقی نمی دانم ولی عرض می کنم حالا که ما تقریباً مجبوریم یکی از بزرگترین منابع ثروت خودمان بلکه بزرگترین منابع ثروت عالم را که ثابت خواهم کرد به عجله بدون مطالعه و مراجعه باشخاصی که اطلاع از این مسائل دارند می آئیم از دست بدهیم پس لااقل یک کاری بکنیم که بعد از این اولادهای ایران به توانند از این قانون استفاده کنند

اما مسئله را که فرمودند چون سابقاً بدولت اجازه داده شده بود که با کمیانی های امریکائی داخل مذاکره شود و چون هر پنج قطعه را بنا بود واگذار کنند و اگر یکی از آنها را مجزی کنند به حیثیات دولت برمی خورد تصور می کنم این استدلال مخصوصاً از طرف حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله خیلی غریب است زیرا وقتی که بدولت اجازه داده شده بود که یکی از کمیانی های امریکائی داخل مذاکره شود و بعد قرار شد که آن رأی اولی را باطل و بدولت اجازه دهند که با هر کمیانی که بیشتر بفتح ایران امتیاز را می پذیرد داخل مذاکره شوند مخصوصاً آقای نصرت الدوله در مقابل استدلال آقای ملک الشیراز فرمودند ممکن است بگوئیم در ابتدا ما نفهمیدیم و حالا می بینیم این ترتیب که با هر کمیانی که بیشتر منافع ایران را منظور دارد دولت داخل مذاکره شود آتیه ما بهتر تأمین می شود بهتر است

آرژوزا بنظور می فرمودند که ممکن است بگوئیم نفهمیدیم ولی امروز که طرفی هم برای امتیاز معین نیست اینطور می فرمایند خوب اگر بنا باشد قانونی که از مجلس می گذرد نمی توانیم او را تغییر بدهیم پس برای چه در آن مذاکره میکنیم مذاکره در مواد برای چیست ؟ برای همین است که هر چه بنظر خوب نمی آید تغییر بدهیم

اما اینکه می فرمایند به حیثیت دولت برمی خورد تصور می کنیم وقتی قطعه به حیثیت دولت می خورد که این قانون باین نحو بگذرد و بعد بیفتد به دست یک اشخاص با اطلاعی آنوقت به بیند با چه سهل انگاری بیست و سه چهار ماده ترتیب داده ایم و اسم او را قانون امتیاز واگذار کرده ایم موض اینک به بنیم در سایر نقاط راجع به عموم امتیازها مخصوصاً امتیاز نفت چه دقت هائی می شود

بنده عقیده ام این است که در یک موضوع باین مهمی که امور اقتصادی ما را اداره می کنند باید مراجعه کنیم به قوانین سایر ممالک و به بینم چه دقایقی در آن قوانین است. بنده تصور می کنم در میان معادن یکی از بزرگترین معادن از نقطه نظر فائده معدن نفت است و از جمله معادنی که کمتر نسبتاً فائده دارد معدن ذغال سنگ است حالا ملاحظه فرمایید در ممالک دیگر قوانین و امتیازاتی که راجع بمعادن ذغال سنگ وضع میکنند چه مذاکراتی در آن بعمل می آورند و ما باید بآن قوانین مراجعه کرده و آنها را ترجمه کنیم به بینم هر یک از موادش نافع بحال ما است آنرا انتخاب کنیم. مثلاً در فرانسه معمولاً منافعی که از

معادن ذغال سنگ می برند بین شش یا هشت درصد است و با این حال می بینیم در سال چندین صد نفر اشخاص و کمیانی ها سعی می کنند و زحمت می کشند و می آید امتیاز معادن ذغال سنگ را می گیرند این نکته را مخصوصاً متذکر شدیم که اگر ما چند روزی بخواهیم در این قانون که یک منافع حقیقی را دارا است دقت کنیم هیچ کمیانی قهر نخواهد کرد و از این بابت نباید هیچ نگران باشیم

در سال ۱۹۰۸ که بهتر می توانم احصائیهاش را عرض کنم قریب ۱۴۸۸ امتیاز برای معادن ذغال سنگ داده شده است در صورتیکه حدوداً عایدات کمیانی هادر معادن ذغال سنگ بیش از صد هشت نیست آنوقت هم چه ملاحظاتی در اطراف امتیازها شده است که ما نمی خواهیم هیچیک از آن دقت ها را در این امتیاز خودمان بنمائیم

مثلاً یکی از آن ها این است که قبل از اینکه بخواهند امتیازی را بدهند اعلان می کنند و بزیاده می گذارند و تا شش ماه سه ماه مدت معین می کنند که هر مشتری بیشتر بدهد امتیاز با داده می شود در ظرف استخراج یک شرایط و دقت هائی می شود مهندسین مخصوصی برای آن معین معین می کنند که صاحب امتیاز در حین استخراج مواظبت داشته باشند مبادا معدن خراب شود که بعد از تمام شدن مدت امتیاز دیگر نشود در آن کار کرد بنده این اطلاعات را راجع بمعادن ذغال سنگ توانستم تحصیل کنم ولی راجع به امتیاز نفت نتوانستم کاملاً اطلاعاتی کسب کنم ولی البته دولت وسیله دانستم می توانست در ظرف این مدت اشخاص متخصصی اینجا بیارند و بآن ها مشاورت کند ولی بنده اینوسیله رانداشتم و همین قدر توانستم از اوضاع نفت یاد کوبه که در نزد یک ما است اطلاعاتی تحصیل کنم

اهمیت معادن نفت با کوه در مقابل معادن نفتی در حکم صفر است اولاً نسبت چاه هائی که در یاد کوبه برای استخراج نفت حفر شده است با چاه هائی که این کمیانی می خواهد در برابر کوبه قریب ۳ هزار چاه حفر کرده اند و در اینجا کمیانی می خواهد در ظرف پنجاه سال فقط بیست و پنج چاه حفر کند و بعضی موارد دیگر در امتیاز های خارجی هست که آن را یادداشت کرده ام عرض میسازم تنها مقصود مانع تراشی نیست البته تمام ماها هر چه می دانیم باید بگوئیم و باید هر قدر می توانیم منافع خودمان را حفظ کنیم مخصوصاً در ممالک خارجی با نصد و پنجاه ماده راجع

بمعادن نفت نوشته شده که تمام طرز تقش و نظارت و طرز عملیات در آن قید شده است و نظام نامه ای مفصلی در این باب هست که ما هیچکدام از آن ها را نداریم و مخصوصاً در آن ها قید شده است که چگونه نفت استخراج چاه کار کنند و چگونه نفت استخراج کنند و اگر در ضمن عمل حادثه رخ داد چه باید بکنند و یک نکته که خیلی قابل اهمیت است این است که مخصوصاً باید دقت کنیم در وضع استخراج فقط طوری کاری کنند که معدن زود خراب نشود و از بین نرود و باید مواظبت کنیم و نگذاریم وقتی کمیانی از یک چاهی که حفر کرد تا اندازه که بصره آن از نزدیک تراست فقط استخراج کند و آن صرف نظر کند زیرا هر چه عمق چاه زیاد تر شود مخارجش برای استخراج زیاد تر است و ممکن است لازم شود عمق چاه باندازه برسد که کمیانی کار کردن در آن را برای خودش نافع نبیند در آن کار نکند و لازم است در این مسائل ما کاملاً دقت کنیم و نظام نامه راجع باین موضوع تدوین کنیم نمی دانم دولت این مسائل را وقت کرده و اینها را در نظر گرفته است یا خیر ؟ ماده پانصد و پنجم قانون امتیاز نفت خارجه مخصوصاً در آن قید شده است که صاحب امتیاز باید یک مبلغ معینی بنسبت نفتی که خارج می شود برای ایجاد یک سرمایه بجهت ساختن راه های معمولی و برای معامله اشخاصی که در چاه های نفت کار میکنند بدهد بنده نمی دانم در مواد امتیاز نامه کدام یک از این مسائل نوشته شده ؟ مخصوصاً از کار هائی که در ممالک خارجی می کنند این است که زمین را قسمت قسمت می کنند و هر قسمتی را بیک نفر می دهند که بکنند کمیانی نتواند اراضی را احتکار کند یکی از شرایطی که با کمیانی قرار می دهند این است که صاحب امتیاز باید قبل از وقت متعهد شود که در سال لا اقل فلان مقدار نفت استخراج کند و بموجب ماده ۹۹ در سال اول اگر کمتر از آن مقداری که معین شده است استخراج کند صاحب امتیاز را خواهد بخشید و اگر در سال بعد هم کمتر استخراج کند بکنی چاه را از تصرف او خارج میکنند و تمام این دقت ها و شرایط برای این است که کمیانی فقط منافع خود را منظور ندارد و منافعی که طبیعت و خداوند برای مردم در زیر زمین گذارده که عموم مردم از آن استفاده کنند برای استفاده عمده معدودی بکار برود و این مسائلی را که عرض کردم قید و شرط می کنند برای یک اراضی است که تقریباً یک فرسخ دو فرسخ بیشتر مساحت ندارد و اگر محاسب کنیم پانزده درصد این اراضی را که می خواهیم بکمیانی بدهیم تقریباً هشت هزار و پانصد فرسنگ مربع میشود در مقابل یک همچو مساحت کوچکی

که در آن قریب ۳ هزار چاه حفر کرده اند و شما یک همچو مساحتی را بکمیانی می دهید در صورتی که هیچ آن دقت ها و شرایط را بعمل نمی آورید مسئله فقط امروز بقدری اهمیت دارد که نهایت ندارد و اشخاصی که سرمایه های خود را در راه های اقتصادی می گذارند برای این است که بتوانند بایک سرمایه های کمی ذغال سنگ نسبت بنفط گران تر تمام می شود طوای نخواهد کشید که تمام چرخ های متحرک و ماشین ها توسط نفت حرکت خواهد کرد گرچه در این مسئله ما دقت نمی کنیم ولی در نقاط دیگر دنیا در سر آن زود خودرها می شود و در پارلمان های دنیا گفتگوها میکنند شاهزاده نصرت الدوله موقعی که از اروپا بودند البته در خاطر دارند که بریان چگونه برضد حکما نو صحبت کرد راجع باینکه نفت موصل را آن طور که باید مواظبت نکردند بود و یک دلائل قوی آورد برای آتیه مشتمل ممالکی که بتوانند دست خودشان را روی نفت در دنیای امروزه یک اهمیت فوق العاده دارا است و اگر باین ترتیبی که عجلتاً مطرح است این امتیاز داده نشود باز می توانیم امیدوار باشیم که یک سرمایه بزرگی در دست ما هست مطابق احصائیه که بدست آمده است دولت آمریکا امروز قریب شش یا هفت درصد نفت عالم را می دهد و اگر منابع نفت ایران بکار بیفتد هم دوشی بانفط آمریکا خواهد کرد با همه این مقدمات و با اینکه همه ما تصدیق داریم که اگر از یک سال پیش از این ما سعی می کردیم و از اشخاص متخصصی در امر نفت مشورت می کردیم و حتی اگر صد هزار تومان هم در این امر خرج می کردیم هیچ ضرر نداشت قریب یک سال است این مسئله باین مهمی که اشخاص خیلی عالم و بصیر هم نمی توانند ادعا کنند و بگویند که مادر این مسئله کاملاً اطلاع داریم بمجلس پیشنهاد شده و در آن مشغول مذاکره هستیم و هیچ وجه هم بتخصصین مراجعه نکرده ایم ممکن است آقایان در جواب بنده بفرمایند که بتخصصین مراجعه شده است آنوقت بنده تعجب بیشتر می شود که چگونه و چگونه بتخصصین مراجعه شده باشد و آنها اجازه داده باشند که چنین موادی باین همه معایب نوشته شود

یکی از معادن خیلی مهم ایران همین معدن نفت است - راست است ما معادن دیگر هم داریم ولی همانطور که عرض کردم نظر بمخارج کم و منافع زیادی که معدن نفت دارد اهمیت آن خیلی زیاد است بنده

در ابتدا خواستیم يك اطلاعاتی پیدا کنیم و ببینیم حفريك چاه چقدر خرج دارد . قبل از جنگ در باد کوبه حفريك چاه تقریباً بین هفتاد و پنجاه هزار تا صد هزار مترمکعب طلاخرج داشت و پول ایران که حساب کنیم قریب شصت هزار تومان می شود و سرمایه که این کمیانی آمریکا در ایران وارد می کند در صورتی که بنا باشد بیست و پنج چاه برای ساحفركند بیست و پنج هکتار هزار تومان خواهد بود با آن منافع زیادی که از این راه خواهد برد

يك نفر از نمایندگان - خرج کمیانی تنها حفركه نیست هزار قسم حفركه دیگر از قبیل لوله کشی وغیره دارد

داور - این که بنده عرض کردم يك چاه شصت هزار تومان حفركه دارد مقصود فقط حفركه بوده با سایر حفركه عرض کردم وقتی حساب کنیم عملیاتی که برای حفركه بیست و پنج چاه مشغول کار می شوند هر چاه صد نفر و روی هر حفركه دو هزار و بیصده نفره بیشتر بکار نمی آید پس ما نباید خیال کنیم که يك سرمایه زیادی داخل خاک ما خواهد شد . بنده تعجب می کنم آقایان می فرمایند برای دلگرم کردن مملکتی که با ما نظر دوستی و محبت دارد خوب است این مسئله را زودتر خامه دهیم باز هم تکرار می کنیم که طرف مایک کمیانی آمریکائی خواهد بود نه دولت آمریکا طرف ما یکمده سرمایه دارانی هستند که همیشه سعی می کنند سرمایه های خودشان را در يك راههای بکار بردند که از آن استفاده نمایند و هیچوقت فکر نخواهند کرد که مایک ملت شش هزار ساله هستیم با خیام در سابق خوب شمر می گفت و باین ملاحظاتی از ما روایت کنند این طور نیست فقط سرمایه خودشان را می آورند در این جا برای اینکه سودی که در نتیجه اینکار خواهد برد در هیچ نقطه در دنیا این سود را با نمی دهند در همین باد کوبه حتی که از مغانند فقط بدولت من دهند معادل است با صد سی و دو تقریباً نكث هایدی کمیانی است آقایان آیا دقت کرده اند و دلایل قوی در دست دارند که این شانزده درصد معادل می شود با آن سی یاسی و دو درصدی که سابقاً اینجا مذاکره می شد ؟

بنده تصور می کنم این طور نباشد و آقایان بایک هوشهای طبیعی و هوشهایی که برای کار بخصوص ترتیب شده این مسائل را حل کرده اند در صورتی که تا شخصی از سته کلاسا مطلع نباشد نمی تواند آن مسئله حل کند البته آقای مغیر با آقای رئیس - الوزراء توضیح خواهند داد بکدام شخص مراجعه نموده اند که آنها گفته اند این امتیاز با این ترتیب خوب است و آیا ممکن است بعد از این از آن متخصن سؤال کرد که در مقابل آن حق الزحمه که دولت ایران بشمار داده است که با مراجعه سایر امتیازها يك قانون امتیاز خوبی برای ما تهیه کنید

چرا در مشورتی که باشما شده است اینطور خیانت کردید ؟ و اگر هم بمتخصن مراجعه نشده است چنانچه بنده هم عقیده ام این است که این قانون یا امتیاز اصلا کار اشخاص متخصن نیست و فکر نکنید اشخاصی است که با هوشهای طبیعی خواسته اند این قانون را بنویسند مثل زمان صدر اعظم های قدیم که با فکرو هوش های شخصی کار را می خواستند انجام دهند بنده منكر آن هستم زیرا این مسائل يك چیز هائی نیست که بتوان با هوش طبیعی انجام داد بلی شاید تا اندازه هم بمتخصن مراجعه شده باشد ولی همبقدر خواستم با آقایان تذکر بدهم از قراری که شنیده می شود مستشار مالی ما هتقریب وارد می شود در صورتی که این عرضی که میکنم اطمینان کامل ندارم ولی از انخاص صحیح شنیده ام که این شخص راجع بنفق دارای اطلاعات است و بهتر این بود که دولت هم عوض اینکه از يكسال قبل متصل اصرار داشت که این لایحه به مجلس بگذرد چند نفر از متخصن را هم با همین مستشار مالی می خواست و لو اینکه صد هزار تومان دو بیست هزار تومان هم خرج می کرد با مشورت آنها این قانون امتیاز را می نوشتند البته آقایان هم تصدیق دارند ممالک خارجه چون از هر حیث اطلاعاتشان بیش از ما است زمامداران امور آنها هم اطلاعاتشان بیش از زمامداران ما است و با این حال در موقع بستن عهدنامه و رسای هیئت های اعزامی که از ممالک می رفت با هريك از آن هیئت های اعزامی قریب پنجاه هشت و گاهی صد نفر متخصن همراه بود و حالا ما برای يك چنین مسئله مهمی یعنی دادن امتیاز مغان پنج ایالت و ولایات بزرگ ایران که بطور خلاصه اهمیتی را به عرض آقایان رساندم يك کمیانی خارجی آیا لازم نبود به چند نفر از متخصن رجوع کنیم ؟ و با آنها چند ما هم مشورت کنیم و تمام مواد را زیر نظر بن بگذاریم و دقت کنیم که حساب سازی برای ما نکند چنانچه در آن ماده که راجع به حقوق دولت است وقتی مشعش دیدم کلاه ما کلاسا محفوظ نیست و این هم کمیانی وارد نیست زیرا کمیانی در همه جا سعی می کند که منافع خودش را محفوظ دارد خواهد در مملکت خودش باشد خواه در غیر مملکت خودش و این ایراد بر ما وارد است که مثل يك هنر صیر مرد که بخواهد ارثیه پدری خود را فوری پول نقد بکند سعی میکنند بهر ترتیبی که هست فوری اموال خود را بفروشند ما هم همانطور می خواهیم هر چه زودتر این معادن را اجاره دهیم بنده این مسئله را مکرر بغاطر می آورم که آقای آقا سید یعقوب خودشان اقرار فرموده اند ما

از علم عقیب بنده هم عرض می کنم من از علم عقب هستم و در صورتیکه ما خودمان معتقدیم که از علم و اطلاع عقیب پس لازم است با اشخاصیکه در علم از ما جلوند در يك مسئله اقتصادی و مسائلی که نمی توانیم خودمان آنرا حل کنیم با آنها اقتضا کرده و با آنها مراجعه و مشورت کنیم وقتی هم که این مسائل را می گوئیم بعضی از آقایان فرمایند که مانع تراشی می کنید هم چنانکه آقای آقا سید یعقوب مخالف بودند که چهار ایالت و ولایت به کمیانی واگذار شود و عقیده شان این بود که حتما هم متقدم و استرحاماً تقاضا دارم که یکی از این ایالت برای خود ما باقی بماند و اگر این حرف را هم میزنم از نقطه نظر سیاسی و حکومت نیست مسئله فقط برای ما فوق العاده مهم است و مربوط به مسائل حکومتی و سیاسی در ایران طوری است که يك چند ماهی در آن مذاکره میشود و بعد از این می رود ولی مسئله فقط چیزی است که در ظرف پنجاه سال به کمیانی واگذار میشود و اگر خدای نخواسته این قانون باین نحو بگذرد و در تمام این مدت بیست و پنج چاه حفركه در آنجا معلوم خواهد بود که دیگر چه چیز برای ما باقی خواهد گذاشت آقایان می فرمایند که کمیانی نسبت با اشخاصی که امتیاز باومی دهند دلسوز است اگر اینطور است چادر ممالک خارجه برای امتیاز استخراچ فقط این همه مواد و نظامنامه می نویسند و اینقدر وقت و احتیاط می کنند و ما هم نباید تصور کنیم که کمیانی برای ما دلسوزی خواهد کرد زیرا اگر باین خیال باشیم وقت های لازم بعمل نیاوریم هتقریب منابع نفت ما هم از دست خواهد رفت .

در این صورت باز هم تکرار می کنیم برای ما لازم است با اشخاص بصیر در این علم رجوع کنیم و لو اینکه آنها هر قدر هم بخوانند منافع دیگران را در نظر بگیرند باز هم حفظ حیثیات خودشان در مقابل دولت که ۲۰ سال دیگر که دیدند هیچ سرمایه داری در ایران نیست که آنرا قبول کند یا هیچ کمیانی خارجی نیست که بپاید و با شما كك کند آنروز همین کمیانی خواهند داد و تصور می کنند امروز که این امتیاز را می گوییم برای اینکه خیام خوب شمر گفته است و با خوب مردمانی هستیم خیر برای این است که منفعت خواهد برد و هر روزیکه منفعت خود را در این کار ببینند عجله می کنند اگر امتیاز باین شکل بگذرد تا سلف بقدری خواهد بود که مافوق آن تصور نیست و کسانی که بعد از ما می آیند ملتفت خواهند شد همینطور یکی از سیاستپون بزرگ دنیا راجع بیکی از امتیازاتی که سابقاً دولت ایران داده بود نوشته است عجیبترین امتیازاتی که ممکن است يك مملکتی بدهد

آن امتیازیکه در مدت چند ساعت داده شد و بزرگترین منابع ثروت خود را بدست خارجی بدهد همین حرف را دوباره خواهند گفت و ما از تجربه گذشته عبرت نگرفته و ما را لعنت خواهند کرد

مخبر - اولاً بنده همچو استنباط می کنم که در عرض دیروزی بنده دوقضیه اشتباه شده است و قبل از اینکه داخل در مطلب شوم می خواهم يك توضیحی بدهم که اگر سوء تفاهمی شده رفع شود در ضمن مذاکراتی که برایش کردم اشاره شد بموقتی تممات لازمه در اینکار می کند و بیک نظریه قطعی اتخاذ می کند و بنده بنام مخبری کسیون نفت مطرح بود و در آن موقع عرض کردم که دولت چهار ایالت پیشنهاد کرده بود و يك ایالت را ما خودمان با مشورت دولت ضمیمه کردیم دیگر اینکه تصوری کنید چون اسم کسیون کسیون خارجه بود شاید يك مسائل سیاسی ما را ملزم و مجبور کرد که اینکار را بکنیم در صورتی که چنین چیزی نیست مقصود بنده از ذکر این مطلب این بود که خواستم خاطر آقایان را مستحضر کنم که در آن موقع وضعیت فکری و صلاح و مقتضیات را ما اینطور دانستیم که بیک قطعه دیگر هم اضافه شود و باین ملاحظه اقتصادی بود که آن يك قطعه را هم کسیون با موافقت دولت بر آن چهار ایالت اضافه کرد چیز دیگری که آقایان از این اظهار من تصور کردند این بود که شاید بنده می خواهم استدلال بکنم که مجبور بودیم که چنین کاری را بکنم خیر ابداً من این قصد را نداشتم و بسمت مخبری کسیون توضیحاتی که در اینجا دادم سعی کردم وقایع و گزارشات اخیر کسیون را به عرض آقایان برسانم و عقیده شخصی در این موضوع اظهار نکردم و راجع آن قطعه شخصی نبود بلکه می خواستم بکراه حلی برای اینکار پیدا شود آقایان را متذکر کنم آقای داور در ضمن مذاکرات اشاره کردند که بنده این لفظ کثرت را ذکر کردم بلی بنده لفظ کثرت را ذکر کردم ولی در ضمن صحبت کلی اگر خاطران باشد خود من توضیح دادم و بعد از اظهارات بنده رئیس محترم مجلس هم کاملاً بیان فرمودند قانونی که ما گذرانده بودیم چون مورد قبول پیدا نکرده بود و امضاء دولت با طرف مقابل روی کاغذ نامه بود هنوز صورت کثرتی نداشت و هیچ احترازی هم از انقله نظر قانونی و مجلس بر ما وارد نیست فقط بنده در ضمن اینکه می خواستم تفکیک کنم بین آن قانونی که برای داخله وضع می شود و قوانینیکه برای خارجه وضع می شود هیچوقت طرف قبولی که ملزم شده باشد ندارد یعنی برای این می گذرد که يك روزی بصورت کثرت در آید . تفکیک بین این دو صورت را می کردم و می خواستم خاطر آقایان را متذکر

کنم که اینهم از آنها است و نگفتم جزو آنها شده است و اگر اشاره با الزام اخلاقی دولت کردم پس از آنکه دولت نظریه خودش را راجع باین الزام اخلاقی در کسیون اظهار کرد بنده هم عرض کردم و الا چنانچه عرض کرده نه بنده و نه کسیون هیچ مخالفتی نداریم برای اینکه در صورت امکان بایک یا دو ایالت با بیشتر اشراع شود که اینها بهتر استفاده کنند و با هم استفاده بدهند در مذاکرات پریروز هم عرض کردم که این مسائل جای تعمق است و کسیون تممات لازمه در اینکار می کند و بیک نظریه قطعی اتخاذ می کند و بنده بنام مخبری کسیون اینجا در حقیقت مسدافع خواهم بود در صورتی که تصدیق می فرمایند پریروز بنده يك صورت مدافعه بفرمودم نگرفته و فقط تاریخ می گفتم حالا می خواهم مراجعه کنم بفرمایشات همکار محترم خود آقای داور . بنده گاهی در تحت تاثیر وقایعیکه در این مملکت پیش می آید و مقایسه و تشبیهاتی که انسانرا بآن حوادث مجبور میکند بیش خودم فکر می کنم که اگر طهران و مراکزی که در اینجا مراکز مؤثره هستند و کلیه ایران و ایالات و ولایات و قراه و دهات و کلیه اراضی این مملکت را بخواهیم بهم دیگر تشبیه کنیم ممکن است مراکز ایران را بیک گلخانه خیلی آراسته که برای نوت تمام اقسام مختلفه نباتات عالی و گلهای ذقیقت و بدیقدر است تشبیه بکنیم تمام افکار و تأثرات و احساسات و تصورات و تبلیغات فکری ما در اینجا بی هیاخت باین گلهای نیست و همانطور که آن گلهای ذقیقت که در آن گلخانه روئیده شده اند اگر آنها را از گلخانه خارج نمایند و بیرند در يك هواییکه آن مساعدت را ندارد چطور آن گلهای بواسطه عدم تناسب هوا و محیط پلاسیده شده و از بین می روند تصور می کنم که چه بسا ما در اینجا بیک افکار روشنی و منور و منزهی داریم که شبیه همان گلهای است و اگر بخواهیم آنها را تطبیق کنیم و بیرون ببریم ببندها و بیک قسمت اعظم ایران در اینجا آن افکار و تصورات غریب و غیر قابل اهمیت خواهد بود امروز در موقمی که آقای داور تحقیقاتی راجع به امتیاز فقط می فرمودند این مطلب بغاطر آمد و از این عقیده بیشتر دلبر شد زیرا همانطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند و آقای داور هم خیلی تأکید فرمودند در صورتی که ما همه باید مقرر معترف باشیم که از قافله عقب مانده ایم و این عقب ماندگی را نسبت بهر چیزی باید داد حتی از استفاده هم عقب مانده ایم وقتی که متخصن نداریم چهار بدبختی هستیم زیرا در کار فنی بهیچوجه منطقی و هوش سرشار و هیچ قسم طبیعت خداداد قادر و قوی در آن تقریر نیست فکر حق تھصن وقتی که

نگاه می کنیم می بینم در تمام مملکت خودمان حتی گل خانه که شرحی را عرض کردم يك نفر پیدا نمی کنیم که از روی حقیقت و توانائی قدرت داشته باشد این مسائل را حل کند این مطلب را هم بایستی تصدیق کنیم که در فهم اظهارات متخصن دیگر نسبت بتطبیق اثرات و عملیات آنها هم باز عقب هستیم و عرض می کنم اگر قادر بر این نیستیم که شکر بگوئیم باید تصدیق کرد اگر شوق خوبی هم جلوما بگذارند نمی توانیم تطبیق بکنیم وقتی این را در نظر گرفتیم آنوقت متصمط می شویم باین که بگوئیم در فلان جا سیصد چاه آب ما چرا بیست و پنج چاه نوشتم و مصمط می شویم که يك مقایسه هائی بکنیم و ببینم در این قانون چقدر همین کرده ما هم همان را مقرر کنیم همانطور که عرض کردم هوش سرشار و اطلاع بمسائل سیاسی و علم حقوق و اقتصاد و علم فقه و شجر در مشر گفتن هیچکدام از این ها ما همانطور که آقای داور فرمودند و بنده هم در این جا تأیید می کنم که مؤثر نیست این را بطور مقدمه عرض می کنم و بعد يك قسمت از اظهارات آقای داور را جواب می دهم می خواهیم يك امتیازی بدهیم و يك مغان و منابع ثروتی داریم و می خواهیم از آنها استفاده کنیم البته اگر ما يك مردمی بدیم اصلاح مملکت که موفقیت خود را در این می دیدیم و قضاوت می کردیم که ما این منابع ثروت را چه کنیم بگذاریم بماند ؟

صدسال دو بیست سال دواز سال است استخراج شده ۵۰ یا ۱۰۰ سال دیگر هم استخراج نشود و تا ۵۰ سال و ۱۰۰ سال دیگر انشاء الله مملکت ما ترقی میکند متخصن و راه آهن پیدا می کنیم و اولاد و نواهد ما می باید تخصصی پیدا می کنند آن وقت آنها از روی بصیرت و دانائی بدون اینکه ذرة از حقوق مملکت خود را با بواسطه جهل یا بواسطه وقوع در يك موفقیت نا مناسبی از دست داده باشند این منابع طبیعی خدا داد را استخراج خواهند کرد این البته يك سیاستی است و اگر يك کسی امروز معتقد باین عقیده باشند از نقطه نظر منطقی و عقل قابل انکار نیست و هیچ هیبی هم ندارد ولی يك وقتی ممکن است که ما می آئیم برخلاف این نصیبت این طور شایسته بدانیم که همین امروز باید تلاش کنیم که هر چه زودتر از این منابع ثروت خودمان استفاده کنیم و این استفاده را وسیله و مقدمه آن ترقیات قرار بدهیم و امروز این حق نانی موضوع بحث است آقای داور اعتراض فرمودند که بایستی مسئله را به متخصن مراجعه کرد و متذکر شدند که خود بنده در يك موقمی که محتاج بودم به معاسبه نفت جنوب مراجعه کنم يك متخصنی را در لندن خواستم و بواسطه كك آنها در حساب ۴ ساله دولت و کمیانی هشتصد هزار

لیزه اختلاف حساب پیدا شد و ممکن بود اگر يك کسی می خواست خیلی سختی کند اسم دزدی هم روی آن بگذارد و این راه بنده نه سرکار و نه دیگری که بصیرت نداشتم ممکن نبود بقوانیم ملتفت شویم پس بواسطه متخصن بود که آن اختلاف حساب معلوم شد ولی چیزی که اسباب تعجب من است این است که بعد از آنکه يكسال است این قضیه مطرح و آقایان هم متوجه و متذکر هستند و از اوقدمات دولت و مجلس و کسیون های مختلفه مطلع شده اند آنوقت بایک حال تردید آقای داور سؤال میکنند که آیا دولت به متخصن رجوع کرده است یا نه ؟ و آیا مغیر که مطلع از این قضایا بوده است دولت بیک چنین امری تذکر داده است یا نه ؟ بنده از این مسئله خیلی متعجب هستم زیرا آقایانی که در کسیونها (یعنی در کسیون اول دوازده نفری و در این کسیون خاص این دفعه) بوده اند دیده اند که دولت از روز اول با متخصن را بطهران نیاورده است و الزام هم ندارد که آن متخصن حتماً این جا بیایند .

دولت بوسطه تلگراف و نماینده خودش که در آمریکا است و بهمه نوع اشخاص متخصن و با اطلاع هم دسترس دارد می تواند با همه آنها مشورت کرده و نتیجه را اطلاع دهد مراجعه کرده معصوم دولت برای سفارت ایران در آمریکا دو نفر مستشار برای کار ها قائل شده يك نفر مستشار مالی و يك مستشار سیاسی و اقتصادی مستشار فنی و مالی آن غروتر می باشد که همه آقایان او را می شناسند و باینهم آمده بود مستشار سیاسی آن لاسن است که وزیر امور خارجه دولت اتانونی بوده این از دولت حقوق می گیرند دولت ایران هم این کار را با آنها مراجعه می کنند و آنها به متخصن مراجعه میکنند چون خودشان متخصن در این فن نیستند و پس از اطلاع از افکار آنها نتیجه را توسط سفارت ایران در آمریکا مغایره میکنند و دولت با جلب نظریات آنها این قانون را نوشته است و این سؤال آقای داور خیلی اسباب تعجب است دیگر این که آقای داور می فرمایند باین امتیاز که نگاه می کنیم می بینیم يك چیزی است که از زیر دست متخصن بیرون آمده باشد این را محض تذکر عرض می کنم که مساوتی قائل بمتخصن هدیم باید بدستور آنها عمل کنیم مثلاً اگر شما ناخوش شدید و مراجعه بطلب کردید باید معالجه اورا بکنید اگر بخواهید در ضمن معالجه خودتان هم اظهار عقیده بکنید مثلاً بگوئید این دوا تلخ است یا من دوی دیگری ببل ندارم یا دوی فرنگی بزاج من نمی سازد دوی ایرانی می خورد یا اینکه خیر خشت به مزاج من می سازد خوب بود از اول بطلب

می رود آیا این رمال ملاحظه کرده اند
(نصرت الدوله - بلی ملاحظه کرده ایم)
زنجانی - خیر نکرده اند علاوه بر این مگر این چه ضرری خواهد داشت که آن بگوئیم مایکی از ایالات را تجزیه کنیم شما پنج ایالت دارید یکی را برای مملکت خودمان نگاهدارید و یک مراجعه بسایر امتیازاتی که در سایر ممالک عالم داده اند کرده بکنید ببینید بچه ترتیب امتیاز می دهند علاوه بر این آقای داوریک چیز دیگری گفتند که من جمله دارم اگر بماند هفتاد سال خواهد ماند خیر نخواهد ماند شما دقت کنید از متخصصین بپرسید آنچه را که در خارجه داده شده بخواهید ترجمه و استخراج کنید و مواد صحیح را پیدا کنید و مطابق آن عمل کنید و این مسئله بهیچ وجه ضرری نخواهد داشت .

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)
رئیس - مذاکرات کافی است
(بعضی گفتند کافی و برخی دیگر اظهار داشتند خیر کافی نیست)
رئیس - رای می گیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند
(همه قلبی قیام نمودند)
رئیس - معلوم میشود کافی نیست . آقای غضنفرخان

(اجازه)
غضنفرخان - عرض ندارم .
رئیس - آقای مدرس
(اجازه)
مدرس - موافق باین شرط .
رئیس - باماده مخالفید
مدرس - با ماده موافق ولی با شرط مخالفم .
رئیس - پس مخالفید بفرمایند
مدرس - قریب دو ساعت و نیم است که آقایان در این مسئله فرمایشات فرمودند و آقایان داور و نصرت الدوله که اروپا رفته و تحصیل کرده اند در حقیقت نتیجه تحصیلاتشان را در دو ساعت فرمودند و لکن متأسفانه بنده هیچ استنباطی از فرمایشاتشان نکردم (جمعی گفتند - صحیح است)
مدرس - مسئله یک قدری در حواشی مطلب است و بنده عقیده ام این است که این امتیاز را باید داد و بجهت ما نباید داشت و کسی هم با جمله صحبت نداشته البته یک قانونی که مجلس آمده نباید بیست روز طول بکشد و نباید دوشور آن یک ماه طول بکشد و نباید عجله هم بشود چون بنا به تاریخ است بنده هم امشب تاریخ عرض می کنم یا رسال که با آن فوریت این امتیاز را دادند بنده مریض بودم که آقایان اجازه دادند باین کمیانی داخل مذاکره شوند و بعد از اینکه صحت یافتیم بمجلس آمدم و

در این مسئله غور کردم دیدم آن اجازه که داده اند با سیاست من مخالف و ضرر دارد یعنی اجازه مضراست .
آقای سید یعقوب - با سیاست مملکت چطور ؟
مدرس - نمی دانم ولی عقیده من سیاسیاً با آن اجازه مخالف شد حالا نمی دانم و این مسئله بسیار اسباب تأثر من شد که آیا چگونه میشود اجازه که مجلس شورای ملی داده است خداوند اسبابی فراهم آورد که بکسورت دیگری پیدا کند تا اینکه یک موقعیتی حاصل شد نقل کردند یک مشتری دیگری برای این امتیاز پیدا شد و ما اورا غنیمت شمریم .
خداوند توفیق به آقایان و کلام بدهد که مساعدت فرموده و آن اختصاص بدل به عمومیت شد و آن چیزی که بنظر من معذور داشت رفع شد . کسب و کارها تشکیل شدن هم گاهی از اوقات خدمت آقایان در کسب و کار مشرف شده و مذاکره می کردیم بدیهی است ماها اهل خبره نیستیم بصیرت هم از این کارها نداریم ولی وظیفه دولت است که پیشنهاد میکند باید اول تحقیقات لازمه را بکنند که اگر هییی پیدا بشود مسئولیت متوجه دولت است البته دولت هم مجبور است اجباراً باندازه که توانسته است از اهل خبره تحقیق کند بعد از آن بهین نهج در کسب و کار مذاکره شد و آقایان هم تشریف داشتند در کسب و کار مذاکرات طول کشید و از بعضی ها هم استفسار شد و اطلاعاتی بکسب و کار داده شد و باندازه که ممکن بود تحقیقات شد . بنده عضو کسب و کار بودم .
بعد شنیدم بعضی از ایرانی ها طالب این امتیاز هستند و چون عقیده ام این است که در امتیازات اگر ایرانی ها طالب باشند در دیگران مقدم هستند جهت اینکه آقای سید یعقوب می فرمایند ما عقب افتاده ایم همین است که پولدارهای ما پول های خودشان را در بانکهای خارجه می گذارند از این جهت ما از بیرون عقب افتاده ایم معصیلن ما هم از زمان ناصرالدین شاه تا حالا که هزار نفر بارویا رفته اند علم صنعتی که بدر ما بهورد ندیدیم بیاروند و عقیده ام این است که این امتیاز را ما باید بدهیم .

زیرا این روشی که تحصیل کرده ها دارند گمان نمی کنم تا بیست سال دیگر فن معین شناسی و صنعت در این جا داشته باشیم لذا باید بفوریت امرمانه بفوریتی که امشب فرماد باشد باید امتیاز را داد بعضی از آقایان فرمودند هشتاد هزار فرسخ مساحت این ایالات ببینیم ذره اش چقدر است و سانه ترش چقدر است آیا اینها وظیفه کسب و کار و خارج از وظیفه ماست خیر وظیفه ما هم است اگر بشواییم این قانون بگذرد نباید عجله کرد ولی باید این امتیاز را داد اما از هزار و پانصد فرسنگ این تحقیقی بود که بنده کرده بودم و از آن شخصی که خودش اجتهاداً

مساحت کرده بود اینطور گفت و کیف کان بنده عقیده ام اینست آنها می مدعی هستند و می گویند یک قسمتی را بما بدهید شاید پول نداشته باشند و شاید نتوانند و شاید نکنند اما دولت باید به آنها شرایطی بکند و در خارجه عرض می کنم یک قسمتی را باید برای ایرانی ها گذارد که بفرمایش آقای سید یعقوب از خارجه عقب نمانیم زیرا خارجهها باین اجازه که ست قانونیت ندارد و هتفهجات ما را بیرون می آورند و بخارجه می برند .
اما همینکه ایرانی ها می خواستند و هتفهجات را بیرون می آورند از بس وزیر فواید عامه وطن خواه بود اجازه ندادند و قتی هم که اجازه می دادند و بکفایت می آوردند آن را در وزارت خارجه برده و اسباب بجزمت قوام می آوردند تا این صفات در ما است که از این متاعهای ما در زیر خاک خواهد ماند و با این خیال هرگز ما جلو نمیرویم بنده عقیده ام اینست که از این هزار و پانصد فرسنگ یک ایالت یا یک ولایت خلاصی را برای خودمان بگذاریم که اگر کمیانی هزار و پانصد فرسنگ را می برد لامحاله صد فرسخ هم برای خود ما بماند و بنده با کمیانی شرط بکنند که اگر ایرانی ها تا یک سال یا شش ماه استخراج نکرده اند باز بهین کمیانی داده خواهد شد اگر چه کمیانی معینی هنوز در نظر نیست و هنوز هم با او مذاکره نکرده ایم ولی با این ترتیب حق پیدا می کند که اگر ایرانیها استخراج نکرده اند ما بتوانیم بخارجه بدهیم و گمان می کنم مجزی کردن یک ایالت مانعی نداشته باشد و چون خیلی مذاکرات در این موضوع شده است آقای مخبر خوب است قبول کنند که مذاکرات کافی باشد و پیشنهاد هایی که در این خصوص شده میروند بکسب و کار که در آنجا مطرح شود شاید ما را قانع کنند اگر قانع شدیم چه ضرر دارد شاید پنج ایالت شش ایالت دو ولایت را پیدا کنیم که اجازه ما را ندهند و استثناء کنند والا باید حتماً این امتیاز را بدهیم و گمان نمی کنم کسی مخالف باشد . این بیاناتی که آقایان فرمودند خوب است تحقیق کنند یا اظهاراتی که آقای هم لباس خود فرمودند ببینیم لوله کفی را از کجا می کنند البته یک مذاقه هائی شده و باید تحقیق کرد و دید فقط را کجا میروند و کجا می برند شاید آنجا که فروخته می شود خلاف سیاست ما باشد و لوله هائی که بکار می اندازند ببینیم ذره اش چقدر است و سانه ترش چقدر است آیا اینها وظیفه کسب و کار و خارج از وظیفه ماست خیر وظیفه ما هم است اگر بشواییم این قانون بگذرد نباید عجله کرد ولی باید این امتیاز را داد اما از هزار و پانصد فرسخ راه باید صد فرسخ را برای

ایرانی ها نگاهداشت و ما هم حاضریم اگر کسب و کار دلائی دارد که ما را قانع کند بگویند در صورت اگر آقای رئیس الوزرا تصمصیم کند ممکن است با کمیانی مذاکره کنند و یک قسمتی از این ایالات را برای اتباع ایران بماند باقی گذارند به عقیده من ممکن است این مسئله را با کمیانی مذاکره و قطع کنند
مخبر - این تکلیفی را که آقای مدرس بکسب و کار کردند متأسفانه در بدین غیر نیست و مدتی بود مخبر این تقاضا را می کرد ولی موافق نظامنامه در ماده اول یک مذاکره فرمودند که خارج از آن موضوع بود و آن مذاکره در چهار ایالت یا پنج ایالت بود که راجع ببنده و آقای داور صحبت فرمودند و این بواسطه این است که همان نظامنامه اجازه داده است که در ماده اول در کلیات حرف زده شود ما خارج ماند و با این خیال هرگز ما جلو نمیرویم بنده عقیده ام اینست که از این هزار و پانصد فرسنگ یک ایالت یا یک ولایت خلاصی را برای خودمان بگذاریم که اگر کمیانی هزار و پانصد فرسنگ را می برد لامحاله صد فرسخ هم برای خود ما بماند و بنده با کمیانی شرط بکنند که اگر ایرانی ها تا یک سال یا شش ماه استخراج نکرده اند باز بهین کمیانی داده خواهد شد اگر چه کمیانی معینی هنوز در نظر نیست و هنوز هم با او مذاکره نکرده ایم ولی با این ترتیب حق پیدا می کند که اگر ایرانیها استخراج نکرده اند ما بتوانیم بخارجه بدهیم و گمان می کنم مجزی کردن یک ایالت مانعی نداشته باشد و چون خیلی مذاکرات در این موضوع شده است آقای مخبر خوب است قبول کنند که مذاکرات کافی باشد و پیشنهاد هایی که در این خصوص شده میروند بکسب و کار که در آنجا مطرح شود شاید ما را قانع کنند اگر قانع شدیم چه ضرر دارد شاید پنج ایالت شش ایالت دو ولایت را پیدا کنیم که اجازه ما را ندهند و استثناء کنند والا باید حتماً این امتیاز را بدهیم و گمان نمی کنم کسی مخالف باشد . این بیاناتی که آقایان فرمودند خوب است تحقیق کنند یا اظهاراتی که آقای هم لباس خود فرمودند ببینیم لوله کفی را از کجا می کنند البته یک مذاقه هائی شده و باید تحقیق کرد و دید فقط را کجا میروند و کجا می برند شاید آنجا که فروخته می شود خلاف سیاست ما باشد و لوله هائی که بکار می اندازند ببینیم ذره اش چقدر است و سانه ترش چقدر است آیا اینها وظیفه کسب و کار و خارج از وظیفه ماست خیر وظیفه ما هم است اگر بشواییم این قانون بگذرد نباید عجله کرد ولی باید این امتیاز را داد اما از هزار و پانصد فرسخ راه باید صد فرسخ را برای

کافی است . پیشنهادات قرائت میشود .
هفت فقره پیشنهاد در ماده اول از طرف آقایان محمد هاشم میرزا مدرس شیخ الاسلام محقق العلماء آقا سید فاضل کازرانی سلیمان میرزا به مضمون ذیل قرائت شد)
۱- بنده پیشنهاد می کنم برای اینکه اتباع داخله از منافع نطف مستقیماً بهره مند شوند و سرمایه آنها برای اکتشاف هدر نرود این طور قرارداد داده شود در عرض ماده پنج که صدی ۱۰ کمیانی می تواند بختیار خود نگاهدارد و حق داشته باشد صدی هفده با اختیار خود نگاه بدارد ولی باین ترتیب که هر قدر از اراضی معین شده که برای حرفه نافع است یک سدس آن را به تصدیق متخصصین فنی بدولت ایران برای اتباع داخله واگذار کند و چنانچه اختلاف نظری از حیث استمداد وغیره در تقسیم اراضی تولید شود بموجب ماده ۱۷ بحکمیت رفتار خواهد شد .
محمد هاشم میرزا
۲- بنده پیشنهاد می کنم ماده اول بترتیب ذیل نوشته شده بمجلس شورای ملی شرایط اعطای امتیاز و اجازه مخصوص و مانع لغیر و اکتشاف و بازدید و حفرت چاه را برای تحصیل و استخراج و تصفیه نطف بدست آوردن گازهای طبیعی و غیر موم معدنی و عملیات دره و اواد من زبوره در قسمتی از مملکت ایران که عبارت است از ایالات آذربایجان و خراسان و سه ولایت از ولایات چهارگانه کیلان و استرآباد و مازندران و اردبیل که بعد از این بلطف ایالات و ولایات خصمه منحصور می شود و همچنین اجازه صدور محصولات نفتی من زبور را بخارجه و حق انحصاری فروش و تجارت محصولات نفتی را در داخله ایران موافق مواد ذیل مقرر می دارد .
تیسره - دولت مجاز است مقرر دارد که در مدت این امتیاز هر گاه نسبت بآن ولایاتی که مستثنی شده درخواست امتیاز بشبه خارجه بدهد این کمیانی حق تقدم خواهد داشت .
۳- بنده پیشنهاد می کنم که یکی از ایالات و ولایات خصمه را که در ماده اول ذکر شده استثنا نموده و بقیه را به موقع امتیاز در آورند .
شیخ الاسلام اصفهانی
۴- بنده پیشنهاد می کنم ولایات کیلان و مازندران و استرآباد از این ماده اول مستثنی شود .
محقق
۵- بنده پیشنهاد می کنم که تیسره ذیل بماده اول الحاق شود . تیسره یک از ولایات سه گانه کیلان و مازندران استرآباد از این قانون امتیاز مستثنی است نهایت هر گاه بخواهد دولت بخارجه امتیاز آن ولایات را هم بدهد کمیانی حق تقدم خواهد داشت .

خواهد داشت .
سید فاضل کاشانی .
۶- بنده پیشنهاد می کنم که در ماده اولی بعد از کلمه و مانع لغیر این عبارت ضمیمه شود باین کمیانی آمریکائی باتباع ایران .
م. ع . کازرانی
(مقام منیع ریاست مجلس)
۷- بنده پیشنهاد می کنم که از ماده اول مازندران حذف شود و ماده را چنین پیشنهاد می نمایم
ماده اول - مجلس شورای ملی شرایط اعطای امتیاز و اجازه مخصوص و مانع لغیر اکتشاف و بازدید و حفرت چاه را برای تحصیل و استخراج و تصفیه نطف و بدست آوردن گازهای طبیعی و غیر موم معدنی و عملیات در مواد من زبور در قسمتی از مملکت ایران که عبارت است از ایالات آذربایجان (که اردبیل هم جزو آن ایالات محسوب می شود) و ایالات خراسان و ولایات کیلان و استرآباد که بعد از این بلطف ایالات و ولایات اربمه مذکور می شود الا آخر . . .
سلیمان محسن
رئیس - ماده دوم مطرح است (بمضمون ذیل قرائت شد)
مدت امتیاز پنجاه سال خواهد بود که ابتدای آن از تاریخ تصویب از طرف مجلس شورای ملی باید محسوب شود و از آن تاریخ امتیاز رسمیت خواهد داشت .
رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)
حائری زاده - این قانون اعطای امتیاز است و امتیاز نامه نیست برای این که اگر امتیاز نامه بود و طرف غیر از این قبول نمی کرد یک بحثی بود . بنده در این موضوع دیگر عرض نمی کردم ولی چون قانون اعطای امتیاز است که مجلس اجازه بدولت می دهد باین کمیانی داخل مذاکره شود از اینجهت بنده پیشنهاد کردم ماده دوم اضافه شود که مدت امتیاز بیش از پنجاه سال نمی شود و نخواهد بود که ابتدای آن تمام مقصود آن قانون را می توانیم تغییر بدهیم زیرا وقتی دیدیم آن مواد بصلاح و صرفه ما نزدیک نیست البته بصلاح خودمان باید تغییر بدهیم این است که در نظر داشتن این مسئله این مطالب را به ض میرسانم چون از سابق برای ما یک عادت بدی باقی مانده است و آن این بود که هر وقت یک امتیازی از ما می خواستند چون خودمان مایوس بودیم که بتوانیم بوسیله راه آهن و سایر لوازمات حوائج خود را رفع کنیم از اینجهت بجز در آنجا که در ادوار سابق یک پیشنهادی راجع بامتیازی میشد فوراً قانع شده و دیگر این حساب ها را نمی کردند و در دو سه جلسه برای یک ماده حرف نمی زدند و مدت امتیاز را هم زیاد فرما می دادند مثلاً دو سال صد سال بلکه ابدی یک امتیازی میدادند ولی

بود از طرف مقام ریاست تذکر داده شده که آن داده که فعلاً اینجا در دست ما است و البته همان طوری است که مقام ریاست هم فرمودند و ما کمیانی آن چه را که نوشته پنج ایالت با وجودی که خودم از اعضاء کسب و کار بودم ولی اخیراً حاضر نمی شدم معذرت کسب و کار هم رعایت آن پنج ماده را نکرده است زیرا یکی از آن پنج ماده راجع بحقوق دولت است - یکی از آن مواد ماده سوم است که در آن ماده حقوق دولت معین شده و از همین منابهی که آقای مخبر توزیع دادند اطلاع حاصل شد که صدی ده از مواد نطف مطابق است با صدی و دو نطف خالص و ماز نقطه نظر اقتصاد چون این مسئله را بنفع خودمان دانستیم این بود که بجمله رای دادیم و اینکه گفته می شود در آن وقت چرا ما بجمله رای دادیم از این نقطه نظر بود که در آن وقت تمامی گفتند این صدی ده معادل باشد سی و دو با صدی و سه می شود باین مناسبت در آن وقت رای دادیم ولی حالا می بینیم بامتیاز نفت جنوب فرقی ندارد زیرا آنهم صد شانزده می دهد و اینجا هم در ماده بر خلاف ماده سه قانون سابق که منافع دولت را در صدی ده از عین جنس قرارداد داده بود عایدات دولت را صد شانزده از عایدات خالص معین نموده .
اگر چه یک عایدات فرضی هم در ماده دوم ذکر شده که می گوید هر گاه منافع اضافی از صدی پنجاه بیشتر شود بر سهیم دولت هم اضافه خواهد شد ولی این منافع فرض است تصور نشود می خواهم خارج از موضوع چیزی عرض کنم یا این مذاکراتی که کردم خارج از موضوع بود بلکه می خواهم آقایان را تذکر کنم باینکه مخالفتی که میکنیم برای این است که در ماده سوم حقوق دولت را صدی ده از عایدات غیر خالص قرارداد داده و بنظر بنده صدی ده خیلی زیاد تر از صد شانزده عایدات غیر خالص خواهد بود و البته این را هم بنده متذکر هستم که ماده ۴ آن قانون را ما می توانیم تغییر بدهیم بلکه تمام مقصود آن قانون را می توانیم تغییر بدهیم زیرا وقتی دیدیم آن مواد بصلاح و صرفه ما نزدیک نیست البته بصلاح خودمان باید تغییر بدهیم این است که در نظر داشتن این مسئله این مطالب را به ض میرسانم چون از سابق برای ما یک عادت بدی باقی مانده است و آن این بود که هر وقت یک امتیازی از ما می خواستند چون خودمان مایوس بودیم که بتوانیم بوسیله راه آهن و سایر لوازمات حوائج خود را رفع کنیم از اینجهت بجز در آنجا که در ادوار سابق یک پیشنهادی راجع بامتیازی میشد فوراً قانع شده و دیگر این حساب ها را نمی کردند و در دو سه جلسه برای یک ماده حرف نمی زدند و مدت امتیاز را هم زیاد فرما می دادند مثلاً دو سال صد سال بلکه ابدی یک امتیازی میدادند ولی

حالا ما نمی خواهیم مدت امتیاز باشد . گفته میشود در مملکت ما صاحب سرمایه ها پول های خود را در خارجه می گذارند .
بله اگر امید داشته باشند وسائل برای نفع داشته باشند هرگز وجوه خود را برای ... بخارجه نمی برند بنده تصور میکنم یک چیزی که در جلسه مجلس را مشغول کرده است و چون بنده هم در کسب و کار خارجه بودم در کسب و کار هم ام واگر بخواهم اطلاعات و تلگرافاتی که در این موضوع شده بخوانم شاید مناسب باشد که عرض کنم چه تلگرافات نا صحیح و منسوخی در آن جا دیده شده . در هر صورت عقیده ام این است که معادن خودمان را در مدت پنجاه سال بیک کمیانی ندهیم زیرا این پنجاه سال یک دوره عمر طولانی است و شاید بعضی از معادن باشد که بعد از ۵ سال کار کردن دیگر چیزی در آن ها باقی نماند و اگر تصور شود بعد از پنجاه سال لاف یک اثاثیه خواهیم داشت تصور خطا است زیرا ما شصتی که پنجاه سال کار کند پیدا است چه خواهد بود ؟ یک اثاثیه قراره با تحول می دهند بملایه که پنجاه سال نطف از او بیرون می آید ناچار دیگر نفی نخواهد داشت . چون بنده متخض نیستم شاید اطلاع داشته باشم و هر وقت گفته می شود باید به متخصص مراجعه شود تصور می شود برای اشکال تراشی است غیر البته وقتی شخص خودش دانا باشد هر چه هم بگویند نمی فهمد و بیچیک از ما ها که بواسطه آراء زیاد و کیل شده ایم در این مسئله عالم نیستیم بنابراین اگر در موارد لازمه بعضی مسائل بمتخصص رجوع شود هیچ عیبی ندارد و البته مملکتی که می خواهد یک امتیازی بمدت پنجاه سال بیک کمیانی بدهد باید قبلاً با متخصص صحبت بکنند . اینک پس از انقضای آن که چیزی دیگر از مردم باقی نمانده است با متخصص مذاکره شود بخصوصاً آنکه طرف مالک کمیانی است که کاملاً در این امر بسیر و یکی از کمیانیهای بزرگ نفت دنیا است و ناچار از نطف شمال ایران هم اطلاعات کامل دارد ولی ایرانیهای بدبخت اطلاعاتی ندارند . چون یک وقت بیک کمیانی من نوشته اند اینسانی که امتیاز می خواهد اهل خبره و خیلی دانا است از این جهت برای ماها که مطلع نیستیم یک اشکال و سوء ظنی حاصل می شود .
دوره حال بنده نظریه حفظ منافع مملکت پنجاه سال را زیاد می دانم و لازم نیست توضیح بدهم چرا کسب و کار اردبیل و از یاد کرده است برخلاف صریح ماده ۵ که بهیچ وجه اسی از اردبیل نبوده حالا در جواب خواهند گفت اردبیل هم جزو آذربایجان

است. بنده عرض می کنم اگر جزو آذربایجان است چرا طبقه ذکر می کنند بنابراین بهیچ وجه صلاح مملکت را نمی دانم که با این مدت این امتیاز را بدهند در صورتی وقتی یکی از مهندسیین مطلع کنفرانس راجع به نقطه می داد بنده بودم و مختصری شنیدم عمرهائی که برای معدن نفت تصور می شد بیش از هشتاد سال هفتاد سال نبوده حالا اگر در عدد اشتباه کرده باشم از کجا معلوم است بعد از پنجاه سال جاهای خشک با ندهند و چون نمی دانم بعد از مدت امتیاز چقدر می توان از این معادن استفاده برد

لذا عقیده ام این است افلاسی سال امتیاز داده شود همانطور که در امتیاز چک و اسلار هم مدت امتیاز سی یا چهل سال است بنا بر این دیگر چیزی عرض نمی کنم و پیشنهاد هم کرده ام که مدت امتیاز سی سال باشد

مغیر - حضرت والا یک اعتراضی بکمیسیون فرمودند که وارد نیست و بنده مجبورم توضیح عرض کنم ایشان قانون سابق اشاره فرمودند در صورتی که در ماده سوم آن قانون بدولت اجازه داده می شود که سهم دولت را معین کند و می گوید حقوق دولت بیش از صدی از کلیه نقطه

و مواد نفتی است و در حقیقت بدولت حق می دهد که در تعیین سهم دولت داخل شود منتهی این اشاره که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند در آن اوقات یکی از آقایان اظهار نمود که این صدی ده معادل باجه مقدار از عایدات غارام می شود گفتند تقریباً بمعادل صدی سی یا صدی سی و دو میشود اما وقتی در کمیسیون در این موضوع مذاکره شد و خواستیم به بینیم صدی از عین جنس نفش برای دولت بیشتر است یا صدی سی از عایدات خالص بالاخره این طور مذاکره شد که تعیین سهم دولت اگر بخواهد دولت

واگذار شود بهتر است این بود که دولت هم پس از مذاکرات با متخصصین اینطور صلاح دانسته و بتربیتی که در ماده دوم نوشته شده است سهم دولت را معین نموده اند پس این اعتراضی که حضرت والا راجع بخدمت تطبیق ماده دوم و ماده سوم آن قانون سابق فرمودند وارد نبود و کمیسیون هم مخالف قانون رفتار نکرده است

اما راجع بموضوع پنجاه سال البته پنجاه سال را می شود کمتر کرد و این قانونی که نوشته شده قانونی نیست که ما را مقید کند باینکه نتوانیم تغییر دهیم نظر آقای حاجری زاده را در خصوص مدت که کمتر شود کمیسیون کاملاً تصدیق می کند و با نظریه ایشان موافقت است و البته اگر در مذاکرات با کمیانی بشود مدت را کمتر قبولانند خیلی خوب است و این

مسئله مهم اساسی است که باید پس از مذاکره باطرف مقابل فهمید که با کمتر از پنجاه سال موافقت هست یا نیست و این که در این قانون پنجاه سال نوشته ایم برای این است که در موقعی که با مشتری ها نکرده اند باین ملاحظه ما این مذاکره را نگاه داشتیم ولی البته اگر دولت توانست کمتر به آنها قبولانند ولو یکسال دو سال سه سال چهار سال هم باشد بهتر است رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - اعتراضی که بکمیسیون می فرمایند وارد نیست برای این که قانونی که سابقاً از مجلس گذشته قانون اساسی نیست که سؤال او را تغییر داد حتماً باید در حدود او مذاکره کنیم یک قانونی بمجلس رجوع شده و کمیسیون باید نظریات در پیشنهادات راجع باین موضوع نموده و در آن هادقت کند و این اقدام بوط بقانون سابق نیست برای این که کمیسیون باید بر طبق پیشنهاداتی که با آنجا می آید لوائح را تغییر و تبدیل دهد مطابق عقیده خودش کمیسیون نمی تواند قوانین و لوائح را تغییر و تبدیل دهد و اگر غیر از این باشد رجوع قوانین از طرف کمیسیون بمجلس لغو خواهد بود.

در این باب یک پیشنهادی از طرف دول شده و به کمیسیون رفته است کمیسیون نباید نظر بقانون سابق بکند بلکه مراجعه به پیشنهاداتی که در این خصوص شده بکند و بعد نظریه خود را بمجلس بفرستد و اعتراض ایشان در این خصوص وارد نیست (گفتند مذاکرات کافی است) رئیس - مذاکرات کافی است جمعی اظهار نمودند کافی است (پیشنهادات در ماده دوم بمضمون ذیل قرائت شد)

۱- بنده پیشنهاد می کنم ماده ۲- بشکل ذیل نوشته شود حاضر یزاده مدت امتیاز بیش از پنجاه سال قمری نخواهد بود که از ابتدای آن از تاریخ تصویب این قانون است از طرف مجلس شورای ملی

۲- بنده پیشنهاد می کنم که مدت امتیاز چهل سال از تاریخ تصویب از طرف مجلس شورای ملی خواهد بود سیدفاضل کاشانی ۳- (مقام محترم ریاست مجلس) این بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوم چنین نوشته شود ماده ۲- مدت امتیاز سی سال خواهد بود سلیمان محسن ۴ بنده پیشنهاد می کنم که مدت

از چهل سال اضافه نباشد رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقا سید یعقوب - گمان نمیکنم کسی علم داشته باشد مثلاً کسی باشد که از آمریکا بگوید فلان نقطه از این نقاط خمره نطق دارد و به مجرد این که امتیاز داده شد بیاید در آن نقطه و نفت درآورد اولاً خود آقای کازرانی تصدیق می فرمایند که مملکت تا راه آهن ندارد و اسباب حمل و نقل در ایران نیست و بطوری که آقایان اظهار نمودند ده فرسخ می شود که باید تجسس کنند و اطلاع پیدا کنند علم غیب ندارد که یک راست برود در آنجا که نفت دارد تمام این مسائل در کمیسیون مذاکره شده و تحقیقات بعمل آمده و از قرار اطلاعی که مطلعین در این مسئله داده اند می گویند برای تفتیش کردن و بدست آوردن جاهها مدت سه سال افلا وقت لازم است که تجسس نموده و به بینند در کجا مطالعات مقدماتی صاحب امتیاز بوسیله خبرگان خود عملیات اکتشافیه را بمیزان کافی و در مقام حدود اراضی ایالات و ولایات خمره مند کرده برای تعیین اینکه فقط بمقدار تجارتی و قابل استخراج یافت می شود یا نه تعقیب خواهد نمود

رئیس - آقای کازرانی (اجازه) در ظرف ۳ سال از تاریخ تصویب امتیاز صاحب امتیاز نقشه برداری و مطالعات مقدماتی خود را بعمل آورده و نسخه از آن ها را بارابورث های کامل راجعه بآن به دولت تقدیم خواهد داشت بلا فاصله بعد از اتمام مطالعات مقدماتی صاحب امتیاز بوسیله خبرگان خود عملیات اکتشافیه را بمیزان کافی و در مقام حدود اراضی ایالات و ولایات خمره مند کرده برای تعیین اینکه فقط بمقدار تجارتی و قابل استخراج یافت می شود یا نه تعقیب خواهد نمود

رئیس - آقای کازرانی (اجازه) در ظرف ۳ سال از تاریخ تصویب امتیاز صاحب امتیاز نقشه برداری و مطالعات مقدماتی خود را بعمل آورده و نسخه از آن ها را بارابورث های کامل راجعه بآن به دولت تقدیم خواهد داشت بلا فاصله بعد از اتمام مطالعات مقدماتی صاحب امتیاز بوسیله خبرگان خود عملیات اکتشافیه را بمیزان کافی و در مقام حدود اراضی ایالات و ولایات خمره مند کرده برای تعیین اینکه فقط بمقدار تجارتی و قابل استخراج یافت می شود یا نه تعقیب خواهد نمود

رئیس - آقای کازرانی (اجازه) در ظرف ۳ سال از تاریخ تصویب امتیاز صاحب امتیاز نقشه برداری و مطالعات مقدماتی خود را بعمل آورده و نسخه از آن ها را بارابورث های کامل راجعه بآن به دولت تقدیم خواهد داشت بلا فاصله بعد از اتمام مطالعات مقدماتی صاحب امتیاز بوسیله خبرگان خود عملیات اکتشافیه را بمیزان کافی و در مقام حدود اراضی ایالات و ولایات خمره مند کرده برای تعیین اینکه فقط بمقدار تجارتی و قابل استخراج یافت می شود یا نه تعقیب خواهد نمود

رئیس - آقای کازرانی (اجازه) در ظرف ۳ سال از تاریخ تصویب امتیاز صاحب امتیاز نقشه برداری و مطالعات مقدماتی خود را بعمل آورده و نسخه از آن ها را بارابورث های کامل راجعه بآن به دولت تقدیم خواهد داشت بلا فاصله بعد از اتمام مطالعات مقدماتی صاحب امتیاز بوسیله خبرگان خود عملیات اکتشافیه را بمیزان کافی و در مقام حدود اراضی ایالات و ولایات خمره مند کرده برای تعیین اینکه فقط بمقدار تجارتی و قابل استخراج یافت می شود یا نه تعقیب خواهد نمود

رئیس - آقای کازرانی (اجازه) در ظرف ۳ سال از تاریخ تصویب امتیاز صاحب امتیاز نقشه برداری و مطالعات مقدماتی خود را بعمل آورده و نسخه از آن ها را بارابورث های کامل راجعه بآن به دولت تقدیم خواهد داشت بلا فاصله بعد از اتمام مطالعات مقدماتی صاحب امتیاز بوسیله خبرگان خود عملیات اکتشافیه را بمیزان کافی و در مقام حدود اراضی ایالات و ولایات خمره مند کرده برای تعیین اینکه فقط بمقدار تجارتی و قابل استخراج یافت می شود یا نه تعقیب خواهد نمود

را می رساند در این ماده نوشته در ظرف ۳ سال از تاریخ تصویب امتیاز صاحب امتیاز نقشه برداری و مطالعات خود را بعمل آورده و نسخه از آن ها را بارابورث های کامل راجعه بآن به دولت تقدیم خواهد داشت (اولاً این ۳ سال از تاریخ امتیاز است و اگر شش ماه از آن کسر شود دو سال ونیم می شود و الزامی ندارد که بعد از ۳ سال شروع کند و همان طوری که آقا فرمودند اگر بعد از سه سال شروع کند در یکجائی مطالعات کافی قبول کردیم برای اینکه از فقر اقتصادی هر چه زودتر جلوگیری شده باشد پس مطالعات سه سال وقت لازم ندارد ممکن است در ظرف دو سال دو چاه حفر کند و این ماده می گوید اگر در دلش نخواست چاه حفر کند از آن جا جای دیگر می رود و از هر کجا دلش خواست شروع می کند و از تاریخ تصویب دو سال کافی است هم برای مطالعه و هم برای مقدمات کار و اکتشافات لازم که بالاخره بعد از دو سال مجبور بشود کار و حفر چاه باشد

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است) پیشنهاد آقای کازرانی بمضمون ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۴ این طور اصلاح شود در ظرف یکسال از تاریخ تصویب الی آخر

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است) پیشنهاد آقای کازرانی بمضمون ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۴ این طور اصلاح شود در ظرف یکسال از تاریخ تصویب الی آخر

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است) پیشنهاد آقای کازرانی بمضمون ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۴ این طور اصلاح شود در ظرف یکسال از تاریخ تصویب الی آخر

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است) پیشنهاد آقای کازرانی بمضمون ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۴ این طور اصلاح شود در ظرف یکسال از تاریخ تصویب الی آخر

مطابق بادست غیب است و البته کسی علم غیب ندارد ولی عرض می کنم چیزی که بیشتر ما را باین مسئله سوق داد قرا اقتصادی بود که ما نزد خود خیال کردیم شاید در نتیجه طوری شود که یک عده بیکار و فقیر از این فقر اقتصادی خلاص شوند این جا می نویسد شش ماه مطالعه کند و سه سال هم مطالعه کند تازه بعد از سه سال شروع بکار می کند درحالی که مدت سه سال را هم لازم ندارد ما از نقطه نظر اقتصاد این امتیاز را قبول کردیم برای اینکه از فقر اقتصادی هر چه زودتر جلوگیری شده باشد پس مطالعات سه سال وقت لازم ندارد ممکن است در ظرف دو سال دو چاه حفر کند و این ماده می گوید اگر در دلش نخواست چاه حفر کند از آن جا جای دیگر می رود و از هر کجا دلش خواست شروع می کند و از تاریخ تصویب دو سال کافی است هم برای مطالعه و هم برای مقدمات کار و اکتشافات لازم که بالاخره بعد از دو سال مجبور بشود کار و حفر چاه باشد

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است) پیشنهاد آقای کازرانی بمضمون ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۴ این طور اصلاح شود در ظرف یکسال از تاریخ تصویب الی آخر

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است) پیشنهاد آقای کازرانی بمضمون ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۴ این طور اصلاح شود در ظرف یکسال از تاریخ تصویب الی آخر

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است) پیشنهاد آقای کازرانی بمضمون ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۴ این طور اصلاح شود در ظرف یکسال از تاریخ تصویب الی آخر

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است) پیشنهاد آقای کازرانی بمضمون ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد می کنم که ماده ۴ این طور اصلاح شود در ظرف یکسال از تاریخ تصویب الی آخر

ایالات و ولایات خمره مذکور می باشد و بدیهی است اراضی مزبور فقط برای استخراج نفت و قیر و موم معدنی و گداز های طبیعی و عملیات در مواد مزبور به اختیار صاحب امتیاز گذاشته می شود شامل معدنیات دیگر که در این اراضی واقع است یا استفاده های دیگری که صاحبان املاک در اراضی خود می نمایند نمی باشد رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - بنده عاجالتاً یک سؤال از آقای مخبر دارم و آن اینست که آیا اراضی که در ماده یازدهم و سیزدهم با اختیار کمیانی گذارده شد جزو این صد یانزده است یا خارج است اگر جزو صد یانزده باشد بنده یک اعتراض دارم و اگر خارج از این صد یانزده باشد یک اعتراض دیگر دارم اگر جزو صد یانزده باشد این عبارت که نوشته شده بعد از تسلیم نقشه جات اراضی مزبوره طبعاً و عملاً جزو اراضی منتخبه که در اختیار صاحب امتیاز برای استخراج مواد نفتی خواهد بود محسوب معنی ندارد و فقط معلوم می شود مقصود ممیزی است بخصوص این که نوشته شده باقی اراضی را کمیانی بدولت بلاعوض واگذار خواهد کرد مگر یک ربع از ایران را بکمیانی واگذار کرده اند؟ که ما ز ادش را بدولت واگذار می کند؟

این اعتراض اول بنده است در صورتی که اراضی که در ماده یازده و سیزده ذکر شده جزو این صد یانزده باشد در صورتی که نباشد چگونه مراعات ذوی الحقوق در آن جا نشده و حال آنکه شاید در این صد یانزده صد چهار صد پنج از اراضی از قبیل ملک خانه باغ اشجار و غیره متعلق ب مردم باشد چگونه می شود این اراضی مال کمیانی باشد بدون این که رعایت حقوق ذوی الحقوق شده باشد بنابراین بنده آن ترتیب صحیح نیست

مغیر - کلیه اراضی که در ماده یازده و سیزده و سایر مواد اسم برده شده تمام جزو این صد یانزده است اما این که می فرمایند چرا این عبارت نوشته شده که طبعاً و عملاً جزو اراضی منتخبه که در اختیار صاحب امتیاز برای استخراج مواد نفتی خواهد بود محسوب است این برای این است که دیگر قید و الزامی برای کمیانی غیر از تقدیم نقشه بوزیر فواید عامه نباشد و محتاج نباشد که از وزارت فواید عامه اجازه دیگری بگیرد همین قدر که تجاوز اراضی منتخبه بترتیب داده و عملی که صاحب امتیاز برای تعیین و تشخیص کامل آن اراضی لازم بداند تجدید خواهد شد و فقط مقید باین شرط خواهد بود که کلیه منتخبه زیاده بر یانزده درصد کلیه اراضی واقع در حدود

این است که کمیانی ابتدا که شروع بکار

می کند نمی داند اراضی نفتی کجا است و در تمام این سطح عملیات اکتشافیه می کند و بعد صد یانزده را نگاه می دارد و ما ز اد آن را بما میدهد و چون ممکن است در آن جا هم یک کار هائی کرده باشد ما خواستیم پیش بینی کرده باشیم که نکوند آن مغارجی را که ما کرده ایم دولت باید بدهد باین ملاحظه است که بلاعوض نوشته شده (پیشنهادی از طرف آقا میرزا ابراهیم قمی و شیخ الاسلام ملایری خوانده شد)

مقام محترم ریاست مجلس بنده تقاضا می کنم تمه مذاکرات را بجلسه آتیه محول فرمائید رئیس - صاحبان مستمرات چند فقره مرسله بمجلس نوشته اند که مدتی است از سال می گذرد و هنوز تکلیف مستمریات را معین نکرده اند وقتی بدولت مراجعه می شود بمجلس حواله می شود وقتی که آقایان و کلا را می بیند می گویند بروید فلانی را ببیند این است که هر روز بنده در فشار آقایان هستم و هر روز مطالبه جواب می کنند لازم دیدم مرسله اخیری که از طرف آنها رسید در مجلس قرائت شود تا تکلیف بنده را در جواب این اشخاص معین کنید و از هماغرار رفتار شود (عریضه مذکور بمضمون ذیل خوانده شد)

(مقام منیع ریاست مجلس مقدس شورای ملی دامت رفعت) از قرار خبر افواهی بعضی از آقایان اعضاء کمیسیون و نمایندگان محترم در موضوع وظایف اظهاراتی فرموده اند که از مزاد ششصد تومان تومانی چهار قران کسر شود با آنکه این خبر مصدق نیست و احتمال هم نمی رود انتشار این خبر اسباب اضطراب و هیجان عموم صاحبان حقوق شده است این تفاوت که شاید بالغ بر بیست هزار تومان نمی شود جز و صرفه جوئی و خیرخواهی ملت و مملکت نیست بلکه باعث مورت اختلال و انتظام امورات باین قسم کسریا تقسیم دیگری کسر از حقوق آنها که بهیچ وجه پیشرفت نیست و با حالت اضطراب آنها از مشغلات است تسویه جمع و خرج بودجه مملکت نخواهد شد با این فقره برایشانی عمومی و گرانی که سراسر مملکت را فرا گرفته و برافتنیا و صاحبان ثروت وضع معیشت سخت گشته یکمده جمعیتی هستی و دارائی آباء و اجدادی و شخصی آنها از بین رفته و فقط عایدات شان این مختصر حقوق شده که با کسر و تبدیل ثلث بلکه نصف از صراف و غیره با هزاران زحمت و اشکال و غیره مرتب با آنها رسیده و قوت لایوت است آیا مقضی است که رشته امورات آنها بیش از این مختل شود آیا با لفظ و معانی مساوات و مساوات را کمتر قبولانند خیلی خوب است و این

این است که کمیانی ابتدا که شروع بکار

این است که کمیانی ابتدا که شروع بکار

حقوق مصوبه قانونی آنها کسب شود و محل اضافه حقوق عده دیگری که افلاستحقاق ثروتی را فاقد شود.

این است انتظاره و در افتتاح مجلس مقدس از و کلاه و نمایندگان محبوب ملت آیا اصلاح امور مملکتی به کس از حقوق قانونی مستحقین از افراد موکول است و بس کرا را عرض و نوشته شده که از اشخاص بصیر و بی غرضی کمسیون مرتب و هويت اشخاص را محل دقت نظر فرمایند و با آنکه داختن ثروت شخصی ابتدا مربوط باستیفاء حقوق حقه ثابتة مشبه نیست معینا برای توافق نظر در اصلاح امور مملکت کرها و طوما در این زمینه عملیاتی شود محل توجه نگشته چنانچه در شهریه ها علی العموم رویه اتعاز و حقوق حقه مصوبه قانونی عده کماز تصویب مجلس مقدس گذشته بود با یک برقراری های جدید در یک حکم مقرر شده باستثنای متنفذین و اشخاص طرف ملاحظه کمتر همیشه از این قبیل عوارض معاف هستند ماده بجز وضعیت و بیچاره ترین افراد رسید مگر این جمع جز مقررات قانونیه و مطلوبات مجلس مقدس چه اضافه و چه جبرانی در ترمیم امور از نمایندگان محبوب استدعا نموده اند چه شده که نمایندگان معترم و هیئت دولت مقررات مجلس مقدس را در باب کسور حقوق و متوفیات معترم و مجری دارند.

ولی در باب پرداخت مختصر حقوق بیچارگان بعد از آن کسورات عده معطف توجیه نمی فرمایند از مقام منبع ریاست معترم مجلس شورای ملی مستدعی هستیم چنانچه وعده فرموده و قول داده اند جدیت و اقدام مؤثری فرموده امر و مقرر فرمائید که حقوق مردم موافق مصوبه مجلس در قوی نیل و سه بیچی نیل تأدیه شود و انجام امور این مردم با اقدامات غیر منتظره منتهی نشود بامضاء و مهر ۲۳ نفر از معروفین

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان - اولاً بنده می خواستم توضیح بدهم این کمسیون که اسم برده می شود کمسیون قدیم است و بنده در این کمسیون جدید عضو هستم و اگر مطلب مطرح شود اجازه بفرمائید عریض خود را اظهار کنم.

رئیس - بنده می خواستم تکلیف مراد مقابل این اشخاص معین کنید که اسباب زحمت شده است با خودم تکلیف این اشخاص را معین کنم یا هر طور خودتان صلاح می دانید جوابی با آقایان بدهید.

حائری زاده - خوب است فررا جزو دستور شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده هم می خواستم

در تأیید فرمایشات مقام ریاست عرض کنم که اگر آقایان می آیند در کمسیون عریض خواهند دید يك دوسیه بزرگی راجع باین مسئله درست شده و بنده می خواستم از مجلس تقاضا کنم که توجهی فرموده و این مسئله جزو دستور شود زیرا هر طرف فشار می آورند که هم تکلیف کمسیون و هم تکلیف مقام ریاست معین شود و کمسیون هم جوابی ب مردم بدهد تا راحت شوند.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - موافقم
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - موافقم
رئیس - راپورتش را هم کمسیون بودجه داده است و جزو دستور امشب هم بود آقای دست غیب (اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب - در این قضیه موافق بودم و عقیده هم داشتم.

رئیس - آن قضیه ختم شد و جزو دستور ماند.

دست غیب - اجازه می فرمائید
رئیس - بفرمائید
حاج سید محمد باقر دست غیب -

چیزی که بنده تصور می کردم برای مجلس شورای ملی از همه چیز مهمتر است مسئله بودجه است تا چندین ماه هم بیشتر با آخر سال نمانده بود و بودجه ها به مجلس نیامده خاصه از قراری که شنیدیم بودجه وزارت داخله که از کمسیون هم گذشته بنده تقاضا می کنم جزو دستور شود و باید کلیه بودجه هایی که از کمسیون گذشته جزو دستور شود.

رئیس - برای استحضار خاطر مجلس عرض می کنم سی و یک فقره مطالب قانونی است که از کمسیون ها گذشته و منتظرند جزو دستور.

آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

شاهزاده محمد ولی میرزا - بنده خواستم از اعضاء کمسیون بودجه تقاضا کنم که فوراً جلسه خود را تشکیل داده و مختصر اصلاحی که در لایحه دولت شده او را تکمیل کنند که بلکه انشاء الله فردا در جلسه عصر جزو دستور شود.

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - بنده راجع به مستمریات عرضی داشتم که گذشت

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - فردا تشکیل کمسیون بودجه ممکن نیست زیرا اعضاء کمسیون

برای کمسیون خارجه خبر شده اند و بعد ممکن است کمسیون بودجه تشکیل شود.
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - نسبت به مستمریات تمام آقایان اظهار موافقت کردند که فردا اول جلسه جزو دستور باشد بنده هم خواستم تقاضا کنم که لایحه دولت راجع به هیئت منصفه بعد از آن جزو دستور باشد.

رئیس - فردا جزو دستور می شود (مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک
جلسه ۱۷۱
صورت مشروح مجلس
یوم یکشنبه بیست و هفتم
عقرب ۱۳۰۱ مطابق
بیست و نهم ربیع
الاول ۱۳۴۱

مجلس يك ساعت قبل از غروب ریاست آقای مدرس تشکیل گردید

(صورت مجلس یوم شنبه بیست و هشتم عقرب را آقای مستشار السلطنه قرائت نمودند)

نایب رئیس - آقای محمد هاشم میرزا راجع به صورت مجلس فرمایشی دارید؟

محمد هاشم میرزا - بنده در عریض و در پیش نهادم هم تصریح کردم که از اراضی که استمداد برای اکتساب نفت دارند يك سدس واگذار کنند و اینجا صد سی نوشته شده یا ایشان اشتباه خوانندند یا اشتباه نوشته شده است

نایب رئیس - اصلاح می شود آقای نجات (اجازه)

آقا میرزا محمد نجات - بنده در دستور عرض دارم نه در صورت مجلس.

نایب رئیس - دیگر در صورت مجلس فرمایشی نیست (گفته شد - خیر)

نایب رئیس - صورت مجلس با این بکفقره اصلاح تصویب شد دستور امروز از قراری که آقای رئیس معین فرمودند یکی لایحه راجع به مستمریات است و دیگری بقیه شور اول در قانون امتیاز نفت و قانون موقتی هیئت منصفه . حالا آقای نجات گویا در دستور فرمایشی دارند .

آقا میرزا محمد نجات - عرض می کنم يك پیشنهادی راجع به تغییر اوقات مجلس شده استدعا می کنم اگر مقتضی بدانید قرائت ورای گرفته شود
نایب رئیس - اگر اجازه می فرمائید